

خدا فیض حکمت و دانش را به هر که خواهد عطا
کند و هر که را به حکمت و دانش رساند درباره او
مرحمت بسیار فرموده و این حقیقت را جز
خردمدان عالم متذکر نشوند.

۲۶۹ قرآن کریم، سوره بقره، آیه

ارزیابی پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی

نویسنده‌گان: فرهاد دژستد*
مسعود عبدیان*

چکیده

سازمان تجارت جهانی، نهادی برای تسهیل هر چه بیشتر تجارت کالاهای خدمات است. سازوکار اجرایی اصلی آن، حذف موانع و تعریفهای تجاری بین کشورهای عضو است. کشورهایی که به عضویت این سازمان در می‌آیند باید ضوابطی را پذیرند، و براساس آن، سیاستهای اقتصادی و تجارتی خود را تنظیم نمایند. انگیزه اصلی تأسیس این نهاد بین‌المللی، تأمین تقاضا برای مازاد طرفت تولیدی در جهان است. بروزیهای بین‌المللی شان می‌دهد که آزادسازی تجارتی توصیه شده از سوی این سازمان بیشتر به نفع کشورهای صنعتی است که مازاد طرفت تولیدی بیشتری دارند.

عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی هنگامی از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر است که سبب تسریع فرایند توسعه صنعتی کشور شود. برای این منظور باید قبلاً مجموعه شرایط و امکاناتی فراهم آید که از جمله مهترین آنها می‌توان به رشد مطلوب طرفت صادرات صنعتی، تحول نظام تصمیمگیری و سیاستگذاری تجارتی و لزوم هماهنگی سیاستهای بولی، مالی تجارتی و ارزی کشور اشاره کرد. تحقق یافتن این مجموعه شرایط، به هر صورت - عضویت یا عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی - امری ضروری است. تازمانی که این شرطها محقق شده و تازمانی که تجارت نفت خام، خارج از دستور مذاکرات تعرفه‌ای این سازمان قرار دارد، تعجیل برای عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی، نه تنها ضرورت ندارد، بلکه به صلاح کشور هم نیست. دولت می‌تواند در فراهم ساختن زمینه تتحقق این شرطها نقشی اساسی بر عهده بگیرد. بدین منظور، ابتدا دولت باید در کارآمدتر کردن فعالیت خود بکوشد. افزایش کارایی دولت باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود. قسمت عدهه تلاش سیاستگذاران باید بر تسریع این فرایند متمرکز شود.

* مدیر کل دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه
** دانشجوی دوره دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

گات یا موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت^۱، یک توافقنامه بین المللی ۳۸ ماده‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم، تعدادی از کشورهای دارای اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، آن را بنیان نهاده‌اند. مفاد این توافقنامه را در سال ۱۹۴۷ میلادی، ۲۳ کشور که عمدتاً جزو کشورهای صنعتی بودند، پذیرفتند.^۲ هدف اصلی گات، گسترش تجارت جهانی و رفع موانع موجود در راه تجارت بین المللی و حرکت به سوی تجارت آزاد جهانی اعلام شده است. "موضوع اصلی کار متعاهدین توافقنامه گات، مذاکره تجاری و تعرفه‌ای است که طی آن کشورهای عضو در زمینه تجارت به یکدیگر امتیازاتی اعطای می‌کنند و یا تهدید می‌نمایند که عوارض معینی را افزایش ندهند. علاوه بر این، متعاهدین توافقنامه، جهت حل مشکلات تجاری بایکدیگر مذاکره و مشورت می‌کنند"^۳ (منبع ۱، ص ۵). از هنگام آغاز نخستین دور مذاکرات، مهمترین دستاوردهای طرفهای متعاهد، کاهش تعرفه‌های گمرکی، که مهمترین مانع گسترش تجارت بین کشورهای عضو به شمار می‌رفت، بوده است.

از سال ۱۹۴۷ تاکنون، علاوه بر نشستهای اعضای گات که هر سال در ژنو برگزار می‌شود، هشت دور مذاکره بین کشورهای عضو به عمل آمده است. موضوع موافقنامه اولیه گات، تنها به بخش تجارت کالاهای صنعتی و نیمه صنعتی محدود می‌شد. اما دامنه شامل مقررات گات، در پی مذاکرات تجاری اعضاء، به تدریج گسترش یافت، به طوری که در آخرین دور از مذاکرات اعضاء، که به مذاکرات دور اوروپوئه مشهور شد، علاوه بر آنکه موافقنامه‌هایی در زمینه سرمایه گذاری خارجی، کشاورزی و منسوجات و مواردی دیگر به حوزه تجارت کالا افزوده شد، دو حوزه دیگر، یعنی بخش خدمات و بخش حقوق مالکیت فکری^۴ نیز به موضوعهای توافقنامه اضافه گردید. به علاوه، یکی از دستاوردهای مهم مذاکرات هفت ساله دور اوروپوئه، تأسیس سازمان تجارت جهانی^۵ است که از ابتدای سال ۱۹۹۵ میلادی جایگزین گات شده است. در حقیقت، نتیجه مذاکرات دور اوروپوئه، شامل موافقنامه مربوط به تأسیس سازمان تجارت جهانی به عنوان سند

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).

2. برای اطلاع از فصلها و مواد این توافقنامه، به منبع ۶، صفحه‌های ۱۴۹ تا ۱۵۱ مراجعه نمایید.

3. برای آگاهی از نام این کشورها، به منبع ۶، صفحه ۱۴۵ مراجعه شود.

4. Intellectual Property Rights.

5. World Trade Organization

اصلی و مجموعه استناد حقوقی دیگری است که در متن موافقنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی از آن به عنوان گات ۱۹۹۴ یاد شده است و جزء لاینک سند اصلی به شماره ۱۹۹۴ گات، علاوه بر کلیه توافقهای مربوط به مذاکرات دور اور گوئه متن موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۳۰ اکتبر ۱۹۴۷، یعنی گات ۱۹۴۷ را نیز در بر می‌گیرد^۱ (منبع ۱، ص. ۵۶). تا پایان سال ۱۹۹۶ میلادی (دی ۱۳۷۵) ۱۲۹ کشور به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمده بودند و درخواست عضویت ۲۸ کشور نیز در دست بررسی بوده است^۱ (منبع ۳، ص. ۱۵). مقر سازمان تجارت جهانی در شهر ژنو واقع شده است. اولین اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی از ۱۳۹۹ تا ۱۹۹۶ دسامبر (۱۹۹۶ آذرماه ۱۳۷۵) در کشور سنگاپور باشگشت ۱۲۸ کشور برگزار گردید. وزرای کشورهای عضو، پس از مذاکرات فشرده در مورد موضوعات بحث برانگیزی نظری استانداردهای کارگری و گشایش بازار تکنولوژیهای اطلاعاتی، اعلامیه‌ای ۲۳ ماده‌ای را به تصویب رساندند. این اعلامیه، دستور کار سازمان تجارت جهانی برای سال آینده خواهد بود^۱ (منبع ۳، ص. ۲۸).

ماهیت هدفهای گات و سازمان تجارت جهانی

هدفهای گات و سازمان تجارت جهانی، برخاسته از دیدگاه کلاسیکی به اقتصاد است. براساس این دیدگاه، نظام بازار آزاد به عنوان کارآمدترین نظام تخصیص منابع شناخته می‌شود و باید از ورود هرنوع عامل خارجی در بازار، که سبب ایجاد اختلال در عملکرد آن شود، جلوگیری گرد. زیرا چنین اختلالهایی به زیان شرکت‌کنندگان در بازار است و کاهش رفاه جامعه را به دنبال دارد. برهمین اساس است که به متعاهدان موافقنامه گات و اعضای سازمان تجارت جهانی توصیه می‌شود که از اعمال محدودیتهای تجاری برای یکدیگر دست بردارند و تعرفه‌های گمرکی را به تدریج کاهش دهند. بنابر دیدگاه کلاسیکی، هر کشور قادر است در تولید یک یا چند کالا در سطح بین‌المللی برتری نسبی پیدا کند. بنابراین، اگر هر کشور بکوشد تا در تولید کالایی که در آن برتری نسبی دارد، تخصص پیدا کند و همچنان برتری خود را در آن حفظ نماید، خواهد توانست از طریق مبادله، به آن دسته از کالاهای خدمات که برای رشد اقتصادی ضروری است، دست یابد. در دیدگاه

۱. برای آگاهی از نام این کشورها، به منبع ۳، صفحه ۱۹ مراجعه کنید.

کلاسیکی، تنها آن دسته از ملتها رشد اقتصادی مداوم خواهند داشت که شرایط تجارت آزاد را پذیرند.

یکی از مفروضات که به طور ضمنی در تحلیلهای کلاسیکی نهفته است، این فرض است که طرفهای تجاری باید از نظر تواناییهای تولیدی و فنی همای یکدیگر باشند و بتوانند از حداکثر امکانات خود برای تولید کالاهای خود استفاده کنند. در غیر این صورت، منافع حاصل از تجارت پیشتر نصیب کشوری می‌شود که از لحاظ فنی پیشرفته‌تر است و امکان استفاده مطلوب‌تر از منابع خود را دارد. به علاوه، فرض می‌شود که در بازار جهانی و نیز در تمام بازارهای داخلی کشورها، مبادله براساس رقابت کامل شکل می‌گیرد و سهم هریک از طرفهای مبادله، نسبت به کل بازار، بسیار اندک است.

امروزه با توجه به حضور کشورهای صنعتی در صحنه تجارت بین‌المللی، نه تواناییهای تکنولوژیک همه طرفهای تجاری بایکدیگر قابل مقایسه است و نه سهم کشورهای پیشرفته از تجارت جهانی به اندازه کافی اندک است. اگر سهم کشوری در تجارت جهانی به اندازه کافی اندک نباشد، تصمیم آن کشور در تغییر مقدار صادرات یا واردات، قیمت‌های جهانی را تحت تأثیرقرار می‌دهد و با این کار، منافع یکجانبه‌ای را نصیب خود می‌کند. بنابراین، گسترش تجارت جهانی در چنین اوضاعی، به یک نسبت، به نفع همه شرکت‌کنندگان در بازار جهانی نیست.

سابقه تاریخی بنیانگذاری گات و سازمان تجارت جهانی

متعاهدان توافقنامه گات در سال ۱۹۴۷ دو هدف اصلی را از بنیانگذاری آن دنبال می‌کردند. نخست، گسترش بازار کالاهای صادراتی بود که با استفاده از سازوکار کاهش موانع تجارتی و گمرکی آن را دنبال می‌کردند. دوم جلوگیری از بروز جنگهای تجاری بین کشورهای صنعتی بود که از طریق سازوکار مذاکره و حل و فصل اختلافات به دنبال آن بودند. پیگیری این هدفها، برخاسته از تجربه این کشورها در سالهای بین دو جنگ جهانی و ناکامی آنها در ایجاد چنین نهادی در آن دوره بود.

در نخستین سالهای پس از پایان جنگ جهانی اول، طرفهای درگیر با تکیه بر سیاست حمایت از صنایع داخلی، به سرعت دوران بازسازی را پشت سر گذاشتند و ظرفیتهای صادراتی خود را

ترمیم کردند. اما تقاضا برای کالاهای و خدمات قابل تولید در داخل این کشورها به اندازه گسترش ظرفیت‌های تولیدی رشد نکرد. بدین روی، تنها راه برای حفظ و بقای صنایع، روی آوردن به تجارت خارجی بود. بدین لحاظ، بحث برداشتن موانع تجاری و کنار گذاشتن سیاستهای حمایتی در آن وضعیت، اهمیت ویژه‌ای یافت.

پس از جنگ جهانی اول، نخستین گرددھمایی بین‌المللی به منظور مذاکره درباره مسائل مربوط به تولید و تجارت در سال ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل و در شهر ژنو برگزار گردید. در این گرددھمایی، حدود ۵۰ کشور حضور داشتند. هدف دول بزرگ شرکت کننده در این گرددھمایی، آن بود تا تقاضاهای را که باعث بروز جنگ گردیده بود، حتی المقدور از طریق همزیستی سیاسی و نیز اتخاذ سیاستهای لبرالیستی و توسعه همکاریهای متقابل در زمینه‌های اقتصادی از میان بردارند.... در چنین شرایطی، توصیه‌های گرددھمایی ژنو براین مبنای قرارگرفت که باید موانع تجاری بر طرف شود و دولتها با تعدیل سیاستهای حمایتی و گرایش به اصول آزادی اقتصادی، راه را برای رعایت شرط دولت کاملة الوداد^۱ در حق یکدیگر هموار سازند. (منبع ۱، ص. ۱). اما با توجه به اینکه همه کشورهای بزرگ سعی داشتند که حداکثر منافع اقتصادی ممکن را از تجارت کسب کنند و حاضر نبودند امتیازی به طرف مقابل بدنهند، تلاشهای آغاز شده برای گسترش تجارت به نتیجه‌ای نرسید و کشورهای صنعتی برای تحت فشار قراردادن یکدیگر به اقدامات تلافی جویانه و برقراری مجدد تعریفهای تجاری روی آوردن. همین مسئله سبب بروز بحران بزرگ اقتصادی سال ۱۹۲۹ در جهان شد که سراسر اروپا و آمریکا را فراگرفت (منبع ۱۴، ص. ۳۷۱). برای همین واقعه، مکتب اقتصادی جدیدی به نام مکتب کینزی در مقابل مکتب کلاسیکها به وجود آمد که کانون اصلی اندیشه آن، تأکید برایجاد تقاضای اضافی در اقتصاد، از طریق افزایش مخارج دولت بود.^۲ افزایش مخارج دولت در وضعیتی شبیه رکود جهانی سال ۱۹۲۹ می‌توانست جایگزین گسترش تجارت خارجی شده و اقتصادی را از رکود نجات دهد.

برابر جنگ دوم جهانی، قدرت اقتصادی کشورهای صنعتی رو به ضعف نهاد و این خود

۱. رفتار مبتنی بر اصل دولت کاملة الوداد (Most Favoured Nation Treatment) اصل بنیادین گات است که از کشورها می‌خواهد بین کالاهای براساس مبدأ یا مقصدشان تعییض قایل شوند (منبع ۲، ص. ۷۹).

۲. در این دیدگاه، فرض برآن است که طرف عرضه اقتصاد با مشکلی مواجه نیست و ظرفیت اضافی تولید به اندازه کافی در کشور وجود دارد. به بیان دقیتر، براساس این مکتب، مشکل اصلی، نبود تقاضای کافی و متناسب با امکانات عرضه در کشور است.

ضرورت ایجاد توافقی پایدار به منظور گسترش تجارت جهانی را نمایان ساخت. پس از پایان جنگ، کشورهای صنعتی در موقعیت مشابه آنچه که در سالهای اولیه پس از جنگ اول با آن روبرو بودند، قرارگرفتند. اروپا با استفاده از طرح مارشال، دوران بازسازی خود را پشت سر می‌گذاشت و به تدریج اقتصاد خود را ترمیم می‌کرد. بنابراین، یکی از مسائلی که کشورهای صنعتی با آن مواجه بودند، نیاز به گسترش تجارت جهانی بود.

"کشورهای صنعتی غرب، حتی قبل از پایان جنگ، در صدد برآمدند که اقداماتی را جهت پایه گذاری یک نظام مالی، پولی و تجاری بین المللی جهت تأمین نیازهای پس از جنگ به عمل آورند. وجود چنین نظامهایی تضمینی برای حفظ امنیت جهانی به شمار می‌رفت و مانع بروز جنگ جهانی دیگری می‌شد. در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ) کنفرانس برتون وودز^۱ باشرکت نمایندگان ۴۴ کشور تشکیل گردید و طی آن موافقتنامه تأسیس صندوق بین المللی پول (به عنوان متولی نظام پولی جهانی) و همچنین بانک بین المللی ترمیم و توسعه (به عنوان متولی نظام مالی جهانی) امضا شد. اما تلاش برای تأسیس یک سازمان جهانی جهت انتظام بخشیدن به تجارت بین المللی یک بار در سال ۱۹۴۶ در کنفرانس لندن (جهت تأسیس ITO یا سازمان بین المللی تجاری^۲) و بار دیگر، در سال ۱۹۴۷، در کنفرانس هاوانا نافرجام ماند. نکته قابل توجه اینکه علی‌رغم نافرجام ماندن کنفرانس هاوانا، قرارداد ۳۸ ماده‌ای گات که قراردادی موقتی بود و در فصل چهارم منشور هاوانا گنجانده شده بود، به عنوان تها یادگار کنفرانس مذکور باقی ماند" (منبع ۱، ص. ۳ و ۴). در سال ۱۹۵۵ نیز طی نهمین اجلاس طرفهای متعاهد تلاش گردید تشکیلاتی که سازمان همکاری تجاری^۳ (OTC) نامیده می‌شد به منظور مدیریت گات به وجود آید. لکن اساسنامه این سازمان نیز همانند ITO مورد تصویب اعضا قرار نگرفت" (منبع ۱، ص. ۶). اندیشه تأسیس یک سازمان متولی تجارت جهانی تنها حدود ۴۸ سال بعد از امضای موافقتنامه اولیه گات و پس از آخرین دور از مذاکرات طرفهای متعاهد (دور اوروگونه) جامه عمل به خود پوشید. طی چند دهه پس از امضای موافقتنامه عمومی تعریف و تجارت و در پی مذاکرات مختلف، دامنه فعالیتها و کالاهای مشمول این موافقتنامه به تدریج و با اختیاط تمام گسترش یافت و بر متعاهدان آن نیز افزوده شد.

1. Bretton Woowds

2. International Trade Organization (ITO)

3. Organization for Trade Cooperation

گات در ابتدا در حل اختلافهای تجاری چندان موفق نبود. اما تجربه سالهای پس از جنگ دوم، نشان داد که صرف نظر از بروز چند جنگ تجاری بین جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا بر سر مسائلی از قبیل اعطای کمکهای مالی به صنایع هواپیماسازی ایرباس^۱ و مسئله صادرات گوشتی هورمونی به اروپا، تعداد نزاعهای تجاری در این دوران بسیار اندک بوده است (منبع ۱۴، ص. ۳۶۸). البته در برخی از موارد نیز طرفهای درگیر بدون مراجعه به این نهاد بین‌المللی و از طریق مذاکرات دو جانبه، اختلافهای تجاری خود را حل و فصل کرده‌اند. با این حال، کسان بسیاری معتقدند که این قبیل نهادهای بین‌المللی دارای توانایی‌های بالقوه زیادی در حل اختلافهای تجاری هستند (منبع ۱۴، ص. ۳۷۱). به همین جهت، کوشیده‌اند تا سازوکار حل اختلافات گات را به شکل کاملتری در سازمان تجارت جهانی بگنجانند.

آشنایی با گات

”موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت سندی است بسیار پیچیده و فنی، مشتمل بر ۳۸ ماده و تعداد زیادی ضمیمه و فهرست کالاکه در برگیرنده تخفیفهای گمرکی متعددی است که به طور متقابل توسط اعضاء به یکدیگر اعطای شده است. این موافقنامه، شامل مجموعه‌ای از قواعد و مقررات ناظر بر تجارت میان اعضاء و نیز در بردارنده استثنایات متعددی براین قواعد است که پاره‌ای مصلحت اندیشهای سیاسی و اقتصادی رعایت آنها را ضروری ساخته است. به طور کلی، هدف اصلی گات، توسعه تجارت جهانی و رفع موانع موجود در راه مبادلات بین‌المللی به منظور ارتقای سطح زندگی کشورهای عضو ذکر شده است و مهمترین ابزار نیل به این هدف نیز تکیه بر اصل دولت کاملة‌الوداد می‌باشد که به موجب آن، توافقهای تجاری دو جانبه، خصلتی چند جانبه می‌یابند“ (منبع ۱، ص. ۵ و ۶). به طور کلی، توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت، برچهار اصل اساسی استوار است.

۱) اصل عدم تبعیض و تعیین اصل دولت کاملة‌الوداد. به موجب این اصل، هرگونه امتیاز و معافیت و مساعدتی که یکی از اعضاء برای عضو دیگر قایل شود، بدون قید و شرط به سایر کشورهای متعاهد را نیز دربر می‌گیرد. در عین حال، براین اصل، استثنایاتی نیز وارد شده است.

امتیازات اعطایی در اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری، یا مواردی که دو طرف متعاهد وارد مذاکرات مربوط به تبادل امتیازات نمی‌شوند، یا امتیازات تجاری اعطایی به کشورهای هم‌جوار یا نظام عمومی ترجیحات^۱ نیز از جمله موارد استثنای براین اصل به شمار می‌روند.

(۲) اصل ثبت و کاهش تعرفه‌های گمرکی از طریق مذاکرات متواالی.

(۳) ممنوعیت استفاده از محدودیتهای مقداری بر واردات و صادرات و استفاده از تعرفه‌های گمرکی به عنوان تنها ابزار حمایت در مبادلات تجاری.

(۴) مشاوره به منظور حل و فصل اختلاف تجاری بین طرفهای متعاهد.

در موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت دوسازوکار اصلی برای الحاق کشورها به گات در نظر گرفته شده است:^۲

الف) عضویت یا الحاق کامل

طبق ماده ۳۳ گات، پذیرش عضو جدید منوط به کسب آرای مثبت دو سوم اعضای گات است. مراحل الحاق، به ترتیب زیر است:

- (۱) ارائه درخواست رسمی کشور متقاضی به دیپرکا.
- (۲) ارائه گزارش در مورد سیاست بازرگانی خارجی کشور متقاضی به گات.
- (۳) تشکیل گروه کاری برای بررسی سیاستهای بازرگانی کشور متقاضی.
- (۴) مذاکرات تعرفه‌ای بین کشور متقاضی و اعضای گات، و در صورت لزوم، اعطای امتیازهای گمرکی از جانب کشور درخواست کننده.
- (۵) تهیه گزارش گروه کاری همراه با پیشنهاد مقاوله نامه الحاق کشور متقاضی به اجلاس طرفهای متعاهد.

در هنگام ارائه درخواست عضویت، از کشور متقاضی خواسته می‌شود که مدارک و اسناد

۱. General System of Preferences (GSP) موافقنامه‌ای بین‌المللی است که به موجب آن، کشورهای توسعه یافته، عوارضی ترجیحی را به طور موقت و بدون انتظار معامله به مثل، بر واردات از کشورهای در حال توسعه وضع می‌کنند (منبع ۲، ص. ۷۹).

۲. در تنظیم مطالب در مورد انواع و نحوه عضویت کشورها در گات، از منبع ۶، صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵ بهره گرفته‌ایم.

مربوط به قوانین تجارت خارجی خود، از جمله قوانین مربوط به نظام مالیاتی، نظام گمرکی، نظام وارداتی، موازنۀ پرداختها، تجارت دولتی و نظام صادراتی موافقتنامه‌های منطقه‌ای خود را ارائه کند. کارشناسان گات، هریک از این قوانین را به دقت و با جزئیات کامل، برسی می‌نمایند، و دربرخی موارد، ممکن است که گروه کاری از کشور متقارضی بخواهد که امتیازات تعریف‌ای خاصی اعطای کند.

ب) حالت ناظر

در گذشته، کشورهای ناظر گات، از جمله ایران، می‌توانستند با پرداخت مبلغی برای دریافت استاد و نشریات، در جلسات گات شرکت کنند، ولی شورای (عمومی) گات، در ماه مه سال ۱۹۹۲، اولاً مدت حضور کشورهای ناظر را فقط به مدت پنج سال محدود کرد که پس از انقضای این مدت، کشور ناظر یا باید به عضویت کامل درآید یا دلایل عدم عضویت خود را تشریح کند. ثانیاً کشورهای ناظر نیز ملزم گردیدند همانند سایر اعضاء، گزارشی در مورد سیاست تجارت خارجی خود و تحولات آن به گات ارائه دهند. ثالثاً مقرر شد کشورهای ناظر، هرساله مبالغی را به عنوان کمک داوطلبانه به گات پردازند.

مذاکرات ادواری گات^۱

از زمان بنیانگذاری گات در سال ۱۹۴۷ تا کنون، علاوه بر نشستهای سالانه، هشت دور مذاکره به منظور کاهش تعرفه‌ها و موانع تجاری بین طرفهای متعاهد صورت گرفته است^۲ که به مذاکرات پیش از دور کندي، مذاکرات دور کندي، مذاکرات دور توکيو و مذاکرات دور اوروگوئه قابل تقسیم‌بندی هستند. طی هشت دور مذاکرات ادواری گات، متوسط نرخ تعرفه محصولات صنعتی از ۴۰ درصد به ۳/۹ درصد کاهش یافته است (منبع ۱، ص. ۴۸).

۱. مطالب این قسمت، تلخیصی است از مباحثت ارائه شده در منبع ۱، صفحات ۳۵ تا ۴۰.

۲. این مذاکرات ادواری، عبارتند از مذاکرات ژنو، ۱۹۴۷، مذاکرات آنسی (Annacy) فرانسه، ۱۹۴۹، مذاکرات توکوکوای (Torquay) انگلستان، ۱۹۵۱-۱۹۵۰، مذاکرات ژنو، ۱۹۵۵-۱۹۵۶، مذاکرات دیلن (Dillon)، ۱۹۶۲-۱۹۶۱، مذاکرات دور کندي در ژنو، ۱۹۶۴-۱۹۶۷، مذاکرات دور توکيو، ۱۹۷۹-۱۹۷۲ و مذاکرات دور اوروگوئه، ۱۹۸۶-۱۹۹۳.

مذاکرات پیش از دور کنندی

در نخستین دور از مذاکرات ادواری گات، قدرت چانه زنی آمریکا نسبت به کشورهای اروپایی بیشتر بود و ظرفیت بیشتری برای امتیاز دهی و کاهش تعرفه‌ها داشت. آمریکا با پیشنهاد کاهش تعرفه‌ها، در واقع، تمایل داشت، اولًا در کوتاه مدت اقتصاد اروپا را تقویت کند و مانع از گرایش آنها به کمونیسم شود و ثانیاً در بلند مدت از افزایش صادرات به این کشورها بهره‌مند گردد. به همین دلیل، در نخستین دور از مذاکرات گات، امتیازات تعرفه‌ای متقابل زیادی اعطای شد. "تعرفه‌های گمرکی نزدیک به ۴۵۰۰۰ هزار قلم کالا یا دو سوم تجارت جهانی کاهش یافت و در مورد آمریکا ۵۴ درصد کل واردات این کشور مشمول مذاکرات تعرفه‌ای قرار گرفت و متوسط نرخ تعرفه‌های وارداتی آن ۱۸/۹ درصد تنزل پیدا کرد" (منبع ۱، ص. ۳۵).

مذاکرات تعرفه‌ای بعدی گات تا پایان مذاکرات دیلن، کاهش اندکی در تعرفه‌ها را به دنبال داشت. دلایل این امر را می‌توان تشکیل جامعه اقتصادی اروپا^۱ (در اوایل دهه ۱۹۶۰) و تبدیل آن به قطب اقتصادی نیرومندی در مقابل آمریکا و عدم تمایل اعضای این جامعه به اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشور ثالث دانست. به علاوه در این دوره، اختیارات مذاکرات تعرفه‌ای دولت آمریکا کاهش یافته بود. در واقع، در این ایام، به تدریج تعادل قوا در جهان سرمایه‌داری به زیان آمریکا و به نفع اروپا تغییر کرد و ملی گرایی تجاری، جای خود را به منطقه گرایی تجاری داده بود.

مذاکرات دور کنندی

مذاکرات دور کنندی از چهارم ماه مه ۱۹۶۴ آغاز شد و تا تابستان ۱۹۶۷ ادامه یافت. به طور کلی، در این دور از مذاکرات، چهار گروه مشورتی اصلی وجود داشت که عبارت بودند از گروه کالاهای صنعتی، گروه محصولات کشاورزی، گروه موائع غیر تعرفه‌ای و گروه کشورهای در حال توسعه. روش مذاکرات در این دوره، برخلاف دوره‌های قبلی، از روش کالا به کالا و مبتنی بر مذاکرات

۱. جامعه اقتصادی اروپا (European Economic Community = EEC) اتحادیه‌ای میان شش کشور اروپای غربی، شامل فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ است که به منظور تشویق تجارت متقابل، براساس تعرفه ترجیحی میان کشورهای عضو به وجود آمده است. از ابتدای سال ۱۹۷۳ میلادی، چهار کشور انگلستان، ایرلند جنوبی، دانمارک و نروژ و سپس یونان، اسپانیا و پرتغال به این اتحادیه پیوستند (منبع ۴، ص. ۶۳۹).

دوجانبه‌ای خارج گشت و به صورت مذاکرات سراسری و چند جانبه ادامه یافت.^۱ در سال ۱۹۶۲ کنگره آمریکا، اختیارات جدیدی در زمینه کاهش تعرفه‌های بازرگانی به کنندی - رئیس جمهور وقت آمریکا - اعطای کرد که با استفاده از آن، این کشور توانست به طور فعال در مذاکرات تعرفه‌ای شرکت کند. کشورهای اصلی شرکت‌کننده در این مذاکرات، عبارت بودند از آمریکا، ژاپن، اعضای جامعه اقتصادی اروپا، و بیشتر اعضای اتحادیه تجارت آزاد اروپا.^۲

دستاوردهای مذاکرات دور کنندی نسبت به مذاکرات قبلی مهمتر بود. زیرا طی آن، تعریف گمرکی کالاهای صنعتی کشورهای عضو بین ۳۶ تا ۳۹ درصد از ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ (به مدت ۵ سال) کاهش یافت. به علاوه، حدود ۴۰ درصد از کالاهای مورد مبادله بین کشورهای صنعتی، مشمول امتیازات تعرفه‌ای دور کنندی قرار گرفت (منبع ۱، ص. ۳۷).

از دیگر نتایج مهم این دور از مذاکرات، مستثنای کردن کالاهای صنایع نوبای کشورهای در حال توسعه از رعایت دو اصل کامله الوداد و اصل معامله متقابل بود. همچنین قرار شد که با حذف محدودیتهای تعرفه‌ای و سهمیه‌ای، امتیازاتی به صادرات این کشورها داده شود. البته کشورهای در حال توسعه در این دور از مذاکرات، امتیازات چنانی به دست نیاوردند. زیرا بخش عمده تخفیفها و امتیازات تعرفه‌ای، شامل کالاهای ساخته شده در کشورهای صنعتی می‌شد. تنها برخی از کشورهای در حال توسعه، از جمله برزیل، هنگ کنگ، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی که توان بالقوه صدور کالاهای ساخته را داشتند، موفق شدند که در اوایل دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در بعضی موارد، متعاقب کاهش تعرفه‌ای نگونه کالاهای، به رشد سریعی در صادرات خود دست یابند.

مذاکرات دور توکیو

در فوریه سال ۱۹۷۲، کشورهای آمریکا، ژاپن و بازار مشترک اروپا، با توجه به مشکل ناشی از

۱. براساس این روش، کاهش در نرخ تعرفه‌ها، شامل تمام کشورهای عضو می‌گردید و تنها در موارد استثنایی کشورها می‌توانستند با استفاده از روش قدیمی کالاهای کالا با سایر اعضای مذاکره کنند (منبع ۶، ص. ۱۷۹ و ۱۸۰).

۲. اتحادیه تجارت آزاد اروپا = EFTA (European Free Trade Association) اتحادیه‌ای است میان هفت کشور اروپایی، شامل انگلستان، سوئیس، نروژ، دانمارک، سویس، اتریش، پرتغال که برای تشویق مبادله متقابل براساس قرارداد تعرفه ترجیحی سامان یافته است (منبع ۴).

تغییر و تحول در اقتصاد جهانی و لزوم اعطای امتیازات ویژه به کشورهای در حال توسعه و تمایل کشورهای اروپای شرقی به مشارکت در نظام تجاری چند جانبه، اعلامیه مشترکی مبنی بر حمایت از مذاکرات چندجانبه در چارچوب گات صادر نمودند. مذاکرات از ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۳ آغاز شد و تا ۱۲ آوریل ۱۹۷۹ به طول انجامید. در این مذاکرات، کشورهای صنعتی موافقت کردند که طی هشت سال، تا ۳۳ درصد از میزان تعرفه‌های خود بر محصولات صنعتی را کاهش دهند. در این دور از مذاکرات، توجه خاصی به مسائل بازرگانی کشورهای در حال توسعه شده بود که از جمله می‌توان به قبول امتیاز دهی به این کشورها از سوی کشورهای توسعه یافته (بدون انتظار دریافت امتیازات مقابل)، قبول نظام عمومی ترجیحات به نفع کشورهای در حال توسعه و لزوم تغییر اصول گات به منظور تضمین منافع تجاری بیشتر برای این کشورها اشاره نمود. به علاوه، مقرر شد که بدون اتمام کامل مذاکرات، نباید هیچ نوع توافقی در موضوعی خاص (به استثنای توافق بر سر محصولات گرمیسری) صورت گیرد.

اگرچه در مذاکرات دور توکیو، در بسیاری از موارد، توجه به معضلات جهان در حال توسعه از حد گفتوگو فراتر نرفت، با این حال، طرح این گونه مسائل و بحث درباره آنها، یکی از ویژگیهای بارز مذاکرات دور توکیو به شمار می‌رفت و نقطه آغازی برای طرح رفتار مساعدتر نسبت به کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور اوروگوئه بود.

مذاکرات دور اوروگوئه

آخرین دور مذاکرات تعرفه‌ای گات، به نام مذاکرات دور اوروگوئه مشهور است. این گردهمایی از لحاظ وسعت و تنوع موضوعهای مورد بررسی و همچنین از نظر نقش فعالانه کشورهای در حال توسعه در آن، یکی از مهمترین و بحث انگیزترین مذاکرات ادواری گات بوده است. در این مذاکرات، برای نخستین بار، تجارت خدمات نیز در مفاد مذاکرات گات گنجانده شد و مقرر گردید که مسائل مختلف تجاری، از قبیل تعرفه‌ها، یارانه‌ها، سهمهای بازار، آزادسازی تجارت منسوجات، کشاورزی و حق ثبت اختراع و علایم تجاری نیز مورد بررسی قرار گیرد و مقرراتی در مورد آنها وضع شود. مدت این مذاکرات چهار سال تعیین شد و باید تا اواخر سال ۱۹۹۰ به نتایج قطعی می‌رسید. اما به دلیل اختلاف نظر آمریکا و اتحادیه اروپا، به ویژه در مورد مسائل کشاورزی، آینده کل مذاکرات با ابهام مواجه شده بود. علت پیدایش این اختلاف نظر را می‌توان در برهم

خوردن تعادل قوا در جهان سرمایه‌داری طی سه دهه پس از جنگ جهانی جستجوکرد. برای رسانیدن تأثیرات دور اوروپوئه، قدرت اقتصادی اروپا (و ژاپن) رو به فزونی نهاد، و در مقابل، آمریکا در موضع ضعف قرار گرفت. حقیقت این بود که اروپا با پاافشاری بر سرمواضع خود در مذاکرات دور اوروپوئه، قصد داشت استقلال و قدرتمندی خود را در مقابل آمریکا به نمایش بگذارد. با این همه، قدرتهای بزرگ این واقعیت را نیز می‌دانستند که پیامدهای شکست مذاکرات دور اوروپوئه، می‌توانند برای تمام کشورها ناخوشایند باشد. در واقع، در صورت شکست مذاکرات دور اوروپوئه بلوك بندیهای اقتصادی تقویت شده و کشورها به طور روزافزونی به وضع یارانه و تعرفه‌های تجاری متولی می‌شوند و احتمال داشت وضعیت نظیر آنچه که در اوخر دهه ۱۹۲۰ بر جهان حاکم شد، دوباره پدید آمده و جامعه بین‌المللی درگیر جنگ جهانی‌گیر دیگری شود. بدین روی، آمریکا و جامعه اروپا، به رغم پاافشاری بر سرمواضع خود، بارها تمایل خود را به موقیت آمیز بودن این دور از مذاکرات اعلام داشتند.

از سوی دیگر، فشارهای زیادی از سوی سایر اعضای گات برای به نتیجه رسیدن مذاکرات دور اوروپوئه وجود داشت. مجموعه این عوامل سبب شد که آمریکاییان و اروپاییان تاحدی از مواضع خود عقب نشینی کرده و با واگذاری برخی امتیازات، رضایت خود را به ادامه مذاکرات اعلام دارند. با این همه، هنوز اختلاف نظر زیادی بین جامعه اروپا و آمریکا وجود داشت. سرانجام تصمیم گرفته شد که ادامه این مذاکرات به اوایل سال ۱۹۹۱ موقول شود تا شرکت کنندگان برای بررسی بیشتر فرصت کافی داشته باشند. ادامه مذاکرات در سال ۱۹۹۱ به سبب بروز رویدادهای جهانی (از جمله جنگ خلیج فارس) متوقف ماند و پس از آن مقرر گردید که ادامه مذاکرات به طور موقت تا دو سال تمدید شود. سرانجام دولتهای عضو در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ مذاکرات دور اوروپوئه را به پایان رساندند و وزیران ذی ربط، با امضای سند نهایی در اجلاس مراکش در آوریل ۱۹۹۴، حمایت سیاسی خود را از نتایج به دست آمده اعلام نمودند.

دستاوردهای مذاکرات دور اوروپوئه^۱

در سند نهایی مذاکرات دور اوروپوئه، محورهای اصلی مورد توافق، به شرح زیر، مطرح گردیده است.

۱. مطالب این قسمت تلخیصی است از مباحث ارائه شده در منبع ۱، صفحات ۵۹ تا ۷۸.

۱. تأسیس سازمان تجارت جهانی

پیشنهاد تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۰ و چندماه قبل از تاریخ اولیه پایان مذاکرات دور اوروپوئه، توسط اتحادیه اروپا و کانادا، به عنوان سازوکاری برای اجرای نتایج مذاکرات در یک چارچوب نهادی مشترک ارائه گردید که بسیاری از کشورهای در حال توسعه با آن موافقت نمودند، در حالی که آمریکا تا آخرین لحظات با ایجاد چنین نهادی مخالفت می‌کرد. این سازمان، کار خود را رسمیاً از ابتدای سال ۱۹۹۵ میلادی آغاز کرده است.^۱

وظایف اصلی این سازمان، عبارت است از:

- (۱) مدیریت و اجرای موافقنامه‌های تجاری چند جانبه.
- (۲) تشکیل مجمعی برای مذاکرات تجاری چند جانبه.
- (۳) تلاش در جهت حل و فصل اختلافات تجاری بین اعضاء.
- (۴) نظارت بر سیاستهای اقتصادی و تجاری اعضاء.
- (۵) همکاری با دیگر مؤسسات بین‌المللی در تنظیم سیاستهای اقتصادی جهان (منبع ۳، ص. ۸ و ۹).

طبق ماده یازدهم موافقنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، اعضای اصلی این سازمان، همان طرفهای متعاهد در گات می‌باشند که در تاریخ به اجرا درآمدن این موافقنامه و موافقنامه‌های پیوست، آنها را پذیرفته‌اند. تصمیم‌گیری در مورد پذیرش عضو جدید در این سازمان در حیطه اختیارات کنفرانس وزیران است که به دو سوم آرای کشورهای عضو نیاز دارد. در سازمان تجارت جهانی نیز، همچون گات، تصمیم‌گیری به اتفاق آرا^۲ انجام می‌گیرد و در مواردی که اتفاق آرا حاصل نمی‌گردد، رأی گیری انجام می‌شود. در این سازمان، هر کشور یک رأی دارد. براساس سند نهایی، کشورهایی که جزو طرفهای متعاهد گات ۱۹۴۷ نمی‌باشند، پیش از پذیرش موافقنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، ابتدا باید مذاکرات مربوط به پذیرش گات ۱۹۴۷ را به انجام رسانده و به عنوان یک طرف متعاهد پذیرفته شوند.

۲. گشايش بازار محصولات صنعتي

در مذاکرات دور اوروپوئه و در بخش مربوط به دسترسی به بازارها و کاهش تعرفه‌ها، توافق گردید

۱. نمودار تشکیلاتی سازمان تجارت جهانی در پایان مقاله آمده است.

2. Consensus

که کشورهای پیشرفته میانگین وزنی تعرفه‌های وارداتی را (به استثنای مواد سوختی) طی یک دوره پنجساله، با درصد کاهش، از $\frac{6}{3} / ۲۸$ درصد به $\frac{۹}{۳} / ۲۰$ درصد برسانند. علاوه براین، بنابر توافقهای صورت گرفته، سهم واردات معاف از تعرفه به بازار کشورهای صنعتی، از ۲۰ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافت و سهم واردات مشمول تعرفه بالا (بیش از ۱۵ درصد) نیز از ۷ درصد به ۵ درصد کاهش پیدا کرد.

در مورد کشورهای درحال توسعه، توافقهای مربوط به دسترسی به بازارها به ترتیب دیگری حاصل شد. در مورد این کشورها، درصد کاهش معین در متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی -همچون کشورهای پیشرفته - اعمال نخواهد شد، بلکه هر کشور، مناسب با سیاستهای آزادسازی تجاری خود، درصد کاهش مشخصی را درمورد متوسط نرخ تعرفه کالاهای صنعتی وارداتی معهده شده است. اما در عوض، در این مذاکرات، کشورهای درحال توسعه پذیرفتند که تمام یا بخش عمده‌ای از رعایت‌های تعرفه‌ای خود را (عمدتاً در سطحی بالاتر از تعرفه‌های رایج) ثبت و لازم‌الاجرا^۱ نمایند که بدین ترتیب، سهم واردات کالاهای صنعتی -با تعرفه ثابت - این کشورها، به طور متوسط، از ۱۴ درصد فعلی به ۵۹ درصد افزایش می‌یابد.

۳. موافقنامه کشاورزی

تدوین قواعدی معین و حاکم کردن اصول تجارت چند جانبه بر محصولات کشاورزی، برای نخستین بار در تاریخ گات، در مذاکرات دور اوروگوئه صورت گرفت که در نهایت، به انعقاد موافقنامه‌ای در این زمینه منجر گردید. تلاشیابی که در مذاکرات چندجانبه قبل از دور اوروگوئه به منظور حاکم کردن نظام مقیدتر بر تجارت محصولات کشاورزی صورت گرفته بود، جملگی با عدم موققیت مواجه شده بود. اما از آغاز مذاکرات دور اوروگوئه، کاملاً مشخص بود که بدون دستیابی به یک توافق عمده در بخش کشاورزی، مذاکرات نهایی به نتیجه نخواهد رسید.

مهتمرين رکن موافقنامه کشاورزی به دست آمده در دور اوروگوئه، تعرفه‌ای کردن تمام محدودیتهای وارداتی محصولات کشاورزی است. بدین معنا که تمام عوارض گمرکی، محدودیتهای مقداری، عوارض متغیر، حداقل قیمت وارداتی، موانع غیرتعرفه‌ای، محدودیتهای داولبلانه صادراتی و مانند اینها، به تعرفه‌های گمرکی با نرخ ثابت تبدیل خواهد شد. این نرخهای

تعرفه‌ای برای کشورهای توسعه یافته، طی یک دوره شش ساله، ۳۶ درصد، و برای کشورهای درحال توسعه، طی یک دوره ۱۵ ساله، ۲۴ درصد کاهش خواهد یافت. از آنجاکه فرایند تعرفه‌ای کردن ممکن است به برقراری نرخهای تعرفه‌ای اولیه بالای متنه شود، کشورها در زمینه دسترسی به بازار متعهد شده‌اند که در قالب سهمیه‌های تعرفه‌ای (یعنی وضع تعرفه اندک بر میزان خاصی از واردات)، دست کم ۳ درصد مصرف داخلی خود را به روی واردات بگشایند که این نسبت، طی یک دوره شش ساله به ۵ درصد خواهد رسید.

در موافقنامه کشاورزی مذکور، همه کشورهای عضو گات (اعم از توسعه یافته، درحال توسعه و اقتصادهای در مرحله گذار) پذیرفته‌اند که صد درصد واردات محصولات کشاورزی خود را مشمول نرخهای تعرفه‌ای ثابت و لازم‌الاجرا گردانند.

دومین رکن این موافقنامه به تعهد کشورها درمورد کاهش حمایتهاي داخلی از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی مربوط می‌شود. شاخصی که برای کاهش حمایت مبنای محاسبه قرار گرفته است، "کل میزان حمایت"^۱ نام دارد. طبق توافقهای صورت گرفته، همه کشورها متعهد شده‌اند که طی یک دوره شش ساله (سال مبدأ ۱۹۸۶-۱۹۸۸ است) ۲۰ درصد از کل حمایتهاي که از بخش کشاورزی به عمل می‌آورند را کاهش دهند. البته براین قاعده، استثنایات متعددی نیز وارد شده است. برای مثال، یارانه‌هایی که مستقیماً بر تولید و تجارت محصولات کشاورزی تأثیر ندارد و عمدها برای پژوهش‌های کشاورزی، دفع آفات، خدمات آموزشی، مشاوره‌ای، بازاریابی، خدمات زیربنایی، یسمه‌های دولتی محصولات کشاورزی و مانند اینها به مصرف می‌رسند، از این قاعده مستثنای هستند. نکته قابل توجه، این است که تعهدات مربوط به کاهش حمایتهاي داخلی، براساس کل بخش کشاورزی اعمال می‌شود نه به صورت کالا به کالا. بدین ترتیب، حمایت از تولید، بر حسب کالاهای مختلف قابل جایگزینی است و در واقع، می‌توان از برخی محصولات حمایت بیشتر و از محصولات دیگر و کم اهمیت تر حمایت کمتری به عمل آورد.

سومین رکن موافقنامه کشاورزی، کاهش یارانه‌ها در زمینه صادرات است. براساس این موافقنامه، کشورهای درحال توسعه متعهد شده‌اند که طی یک دوره ده‌ساله، ارزش یارانه‌ها در زمینه صادرات خود را به اندازه ۲۴ درصد و حجم محصولات صادراتی یارانه‌ای خود را به میزان

۱۴ درصد کاهش دهند. این نسبتها برای کشورهای توسعه یافته، به ترتیب، ۲۱ و ۳۶ درصد و طی یک دوره شش ساله است. در ضمن، کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتنگی، از هر نوع تعهد کاهشی در هر سه زمینه یادشده (دسترسی به بازار، حمایت داخلی و یارانه در زمینه صادرات) معاف می‌باشند. به علاوه، در این موافقنامه تدبیر حفاظتی ویژه‌ای نیز در نظر گرفته شده که کشورها می‌توانند نسبت به اعمال آنها در مقابل واردات اقدام نمایند. بدین ترتیب که اگر حجم کالای وارداتی خاصی (که مشمول فرایند تعریفهای کردن باشد) از محدوده معینی نسبت به مصرف تعیز نماید یا اگر قیمت آن کالا از قیمت‌های مبنای دوره ۱۹۸۶-۱۹۸۸ کمتر باشد، کشورها می‌توانند بر این قبیل کالاهای (به اندازه نسیتی از مابه التفاوت قیمت واردات و قیمت مبنای) عوارض اضافی وضع نمایند.

۴. موافقنامه منسوجات و پوشاک

منسوجات و پوشاک، از جمله بخش‌های صنعتی است که برای شماری از کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیاری دارد. اما هم اکنون، بر تجارت جهانی این محصولات، ترتیبات خاص و بعض آمیزی موسوم به ترتیبات الیاف چندگانه^۱ حاکم است. هنگامی که کشورهای در حال توسعه و نیز ژاپن، در اوایل دهه ۱۹۶۰، به تدریج وارد بازار جهانی محصولات پنبه‌ای شدند، آمریکا و متعاقب آن دیگر کشورهای توسعه یافته، به منظور حمایت از صنایع داخلی خود در صدد برآمدند تا ترتیبات خاصی را بر تجارت جهانی این محصولات حاکم کنند که به آنها اجازه می‌داد ضمن اعمال محدودیتهای کمی (سهمیه) بر واردات منسوجات و پوشاک از سایر کشورها، از انجام برخی تعهدات خود در قبال گات شانه خالی کنند. براین اساس، در سال ۱۹۶۱، موافقنامه بین‌المللی منسوجات پنبه‌ای بین این کشورها منعقد شد.^۲ در ابتدا تنها منسوجات پنبه‌ای تحت پوشش موافقنامه بین‌المللی منسوجات پنبه‌ای قرار داشت. اما به تدریج الیاف مصنوعی و پشمی نیز مشمول آن گردید و در سال ۱۹۸۶ تمام الیاف نباتی و ابریشمی را در برگرفت.

این ترتیبات، ضمن اینکه با اصول اساسی گات تعارض جدی دارد، با بی اعتبار کردن نظام

1. Multi-Fiber Arrangement

۲. از سال ۱۹۷۴ به بعد، این موافقنامه به موافقنامه ناظر بر تجارت بین‌المللی منسوجات یا ترتیبات الیاف چندگانه (MFA) تغییر نام یافت.

تجاری چند جانبه، می‌تواند دستاویزی برای اعمال محدودیتهای تجاری در سایر بخشها باشد. مذاکرات قبلی گات برای متوقف کردن این نظام تبعیض‌آمیز، به لحاظ فشار گروههای ذی نفوذ حامی صنایع داخلی در کشورهای توسعه یافته، قرین موقیت نبوده است. از این‌رو، متوقف کردن این نظام تجاری تبعیض‌آمیز هدف اصلی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور اوروپوئه بود.

موافقنامه منسوجات و پوشاک، در حقیقت، چارچوبی برای متوقف ساختن ترتیبات الیاف چندگانه و ادغام تجارت جهانی منسوجات و پوشاک در گات، طی یک دوره انتقالی ده‌ساله و تسری دادن اصول و قواعد حاکم بر تجارت سایر کالاهای بر تجارت منسوجات و پوشاک است. طبق این موافقنامه کالاهای مشمول محدودیتهای الیاف چندگانه باید طی ۴ مرحله و بر حسب درصد های ثابتی تحت اصول و قواعد گات قرار گیرند. البته در این موافقنامه اجازه داده‌اند که کشورهای پیشرفته محدودیتهای وضع شده بر ۴۹ درصد از واردات منسوجات و پوشاک خود را تا آخرین روز دوره انتقالی ده‌ساله همچنان محفوظ نگاه دارند که این مسئله خود نشان از فشارهای سیاسی گروههای حمایتگرا در کشورهای پیشرفته دارد.

اهمیت منسوجات و پوشاک و لزوم تقویت ترتیبات تبعیض‌آمیز الیاف چندگانه برای آمریکا و گروههای ذی نفوذ در این کشور، بدان حد است که در مذاکرات دور کنندی و توکیو، کنگره این کشور اعطای اختیارات لازم به دولت به منظور مشارکت در مذاکرات تجاری را مشروط به تمدید اعتبار نظام ترتیبات الیاف چندگانه و محدودیتهای مترتب بر آن کرده بود. از این‌رو، گنجاندن موافقنامه منسوجات و پوشاک در مقررات گات، موقیت بزرگی برای کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آمد.

به رغم اینکه می‌گویند کشورهای در حال توسعه، بیشترین منافع را از لغو ترتیبات الیاف چندگانه به دست خواهند آورد، با این حال، نتایج حاصل از برآورد مدلها نشان می‌دهد که قسمت اعظم منافع حاصل از برداشتن این محدودیتها، به سبب کاهش قیمت مصرف کننده در کشورهای توسعه یافته، نسبت همین کشورها می‌شود (منبع ۱۳، ص. ۳۹۱). به علاوه، یکی از نگرانیهای مهم کشورهای در حال توسعه این است که امکان دارد کشورهای توسعه یافته پس از برچیده شدن نظام ترتیبات الیاف چندگانه در پایان دوره انتقالی ده‌ساله مذکور، با توصل به ضابطه‌های ضد دامپینگ، ترتیبات به مراتب محدود کننده‌تری را جایگزین ترتیبات قبلی نمایند.

۵. موافقنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت^۱

دولتها در سراسر جهان - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - به منظور جذب و ضابطه‌بندی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی، در مقابل انجام اقداماتی از قبیل اعطای مشوقهای مالی، تخفیفها، بخشنودگیهای مالیاتی، تأمین خدمات ترجیحی و مانند آنها، مجموعه‌ای از الزامات و شرایط را طبق مصالح ملی خود در جهت استفاده از این سرمایه‌گذاریها مقرر می‌دارند که از جمله آنها می‌توان به ضوابطی از قبیل ضابطه محتوای داخلی^۲، ضابطه متوازن کننده تجارت^۳، محدودیتهای ارزی^۴، ضابطه فروش داخلی^۵، ضابطه الزام ساخت^۶، ضابطه عملکرد صادرات^۷، و انتقال تکنولوژی اشاره کرد که مجموعاً شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان را تشکیل می‌دهند.

حال اگر این اقدامات سرمایه‌گذاری به تجارت کالاهای مربوط شود، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نامیده می‌شود. کشورهای پیشرفته و به ویژه آمریکا با این استدلال که حاکم کردن چنین الزاماتی بر سرمایه‌گذاری خارجی، اثر تحریف کننده‌ای بر تجارت دارد، همواره در صدد بودند که با گنجاندن این موضوع در دستور کار مذاکرات دور اوروپوئه، اصول و مقررات گات را به این حیطه نیز تعمیم دهند.

موافقنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری را که

1. Trade - Related Investment Measures (TRIMs)

۲. ضابطه محتوای داخلی (Local Content Measure) ضابطه‌ای است که به موجب آن، سرمایه‌گذار برای تولید محصول خود باید میزان معینی از مواد اولیه را از منابع داخلی خریداری کند.

۳. ضابطه متوازن کننده تجارت (Trade Balancing Measure) الزامی است که طبق آن، سرمایه‌گذار باید از درآمدهای حاصل از صادرات برای پرداخت هزینه‌های واردات استفاده کند.

۴. محدودیتهای ارزی (Exchange Restrictions) محدودیتی است که به موجب آن، دسترسی سرمایه‌گذار به ارز و طبعاً توانایی وی برای واردات کاهش می‌یابد.

۵. ضابطه فروش داخلی (Domestic - Sales Measure) تعهدی است مبنی بر فروش نسبت معینی از تولید در بازار محلی.

۶. ضابطه الزام ساخت (Manufacturing Measure) الزامی است مبنی بر اینکه سرمایه‌گذار باید محصول معینی را بسازد یا تعیین محدودیت برای آنچه که سرمایه‌گذار می‌تواند تولید کند.

۷. ضابطه عملکرد صادرات (Export Performance Measure) الزامی است مبنی بر اینکه مقدار معینی از تولید باید صادر شود.

(تعریف اصطلاحات از منبع ۲، ص. ۷۶).

با تعهدات کشورها در قبال گات ۱۹۴۷ در زمینه رفتار ملی در مورد "وضع مالیات و مقررات داخلی" (ماده ۳ گات) و نیز "حذف کلی محدودیتهای مقداری" (ماده ۱۱ گات) مغایرت دارد، منع می‌سازد. براساس این موافقتنامه، همه اعضا باید ۹۰ روز پس از به اجرا درآمدن موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، تمام اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت خود را که با مفاد توافقنامه سازگاری ندارد، به اطلاع شورای تجاری کالاهای (که یکی از ارکان سازمان تجارت جهانی است) برسانند. این اقدامات نیز باید ظرف مدت دو سال، برای کشورهای توسعه یافته، و پنج سال برای کشورهای درحال توسعه و هفت سال برای کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافته‌گی، پس از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، حذف و ملغی گردد. در برخی از موارد، مدت‌های فوق قابل تمدید است. البته استثنائی که اعمال آنها در چارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده (از قبیل موارد مربوط به اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و جز اینها) در مورد موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشد.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه کرد، این است که کشورهای پیشرفته با تکیه بر قدرت اقتصادی و تفویذ خود، هر موقع که صلاح بدانند، بدیهی ترین اصول گات را زیرپا می‌گذارند (نظری هنگام برقراری ترتیبات الیاف چندگانه) و هر زمان که منافشان اقتضا کنند، برخی اصول گات را مورد تأکید قرار داده و خواهان اجرای آن می‌شوند (نظیر مورد اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت).

۶. موافقتنامه عمومی تجارت خدمات^۱

گنجانده شدن موضوع تجارت خدمات در مذاکرات دور اوروگوئه و حاکم کردن اصول و قواعد تجارت چند جانبه بر آن، عمدتاً نتیجه تلاشهای آمریکا بوده است. تمایل آمریکا به آزادسازی بین‌المللی تجارت خدمات، عمدتاً ناشی از فشارهای گروهی شرکتهای فرامیلتی و اهمیت فزاینده خدمات در صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی این کشور بوده است. از سوی دیگر، کشورهای درحال توسعه و برخی از کشورهای توسعه یافته در مخالفت با این اقدامات آمریکا، معتقد بودند که تعیین امتیازات کالایی به حوزه تجارت خدمات، در واقع، مشروعیت بخشیدن به اقدامات جبرانی

یکجانبه‌ای است که در قوانین تجاری آمریکا پیش بینی شده است. در قانون تجارت مصوب سال ۱۹۸۸ آمریکا، به دولت این کشور اجازه داده‌اند که در قبال کشورهایی که اصول موردنظر آمریکا درمورد تجارت خدمات را رعایت نمی‌کنند، مجازات‌هایی (از قبیل پس گرفتن امتیازات کالایی) اعمال کند.

با آنکه آمریکا موفق شد موضوع تجارت خدمات را در دستور کار مذاکرات قرار دهد، برخی از کشورهای در حال توسعه با تلاشهای بسیاری که به عمل آورده‌اند، موفق شدند ضمن تعديل هدفها و پیشنهادهای آمریکا در مورد تجارت خدمات، آزاد سازی این بخش را با موضوع توسعه اقتصادی خود مرتبط سازند. یکی از نکات مهم این موافقتنامه که مرهون تلاشهای کشورهای درحال توسعه می‌باشد، این است که پذیرش چارچوب موافقتنامه به عنوان تعهد کلی، به منزله اعطای امتیاز برای دسترسی به بخش خدماتی خاصی نیست، بلکه قبول تعهدات در مورد هر بخش خدمات و اعطای امتیاز برای دسترسی سایر کشورها به آن بخش، در مذاکرات مربوط به تنظیم جدولهای تعهدات هر کشور و به تناسب بخشها یا زیربخشها که آزادسازی آنها با راهبردهای توسعه کشورها سازگاری بیشتری دارد، مشخص می‌شود.

اصل دولت کامله‌الوداد جزو تعهدات کلی موافقتنامه تجارت خدمات است که همه اعضاء باید آن را در قبال یکدیگر رعایت کنند. البته براین اصل، استثنائاتی وارد شده است. براین اساس، کشورها می‌توانند تا ۱۰ سال از معافیتهای مربوط به این موارد استثنا استفاده کنند که برای ۵ سال دیگر نیز قابل تمدید است.^۱ رعایت دیگر اصول گات، از قبیل رفتار ملی و دسترسی به بازار، تنها در مورد بخشها، زیر بخشها و شیوه عرضه خدماتی قابل اعمال است که هر کشور در جدولهای تعهدات خود آنها را پذیرفته است. در موافقتنامه تجارت خدمات این حق برای کشورهای درحال توسعه به رسمیت شناخته شده که می‌توانند آزاد سازی بخش‌های خدماتی خود را به انجام اقداماتی از سوی دیگر اعضا (به ویژه کشورهای پیشرفته) مشروط نمایند که آنها را در تقویت بخش‌های خدماتیشان کمک می‌کند (از قبیل درخواست دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و مجاری توزیع یا دسترسی به تکنولوژی). در ضمن، مذاکرات اعضا گات درمورد آزاد سازی خدمات در سه بخش عمده خدمات مالی، مخابرات و حمل و نقل دریایی و عرضه خدمات از طریق جابه جایی

۱. ظاهرآ مبنای محاسبه این سالها، زمان آغاز به کار سازمان تجارت جهانی (ژانویه ۱۹۹۵) است.

اشخاص حقیقی، به توافقی منجر نگردیده و پس از شروع به کار سازمان تجارت جهانی، مذاکرات مربوط به آن دوباره آغاز می‌شود.

۷. جنبه‌های حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت^۱

رشد ظرفیت‌های تکنولوژیک در برخی از کشورهای در حال توسعه طی چند دهه اخیر، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها، موجب گردیده که برتریهای نسبی سنتی مالک پیشرفت‌های مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات در کنار جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به راهبردهای دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت فکری یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که برداش و اطلاعات متکی است.

موافقنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، در برگیرنده قواعدی برای حمایت از حق تکثیر^۲، علایم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق ثبت اختراع^۳، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه، نرم افزارهای کامپیوترا، آثار سینمایی، ضبط موسیقی، بانکهای اطلاعاتی و اطلاعات فاش نشده است. در این موافقنامه، ضمن پذیرش و تأکید بر اسناد حقوقی سازمان جهانی مالکیت فکری^۴ نظیر کنوانسیون پاریس^۵، برن^۶ و رم^۷، قواعد جدید و استانداردهای دیگری نیز که تحت شمول کنوانسیونهای فوق نیست، گنجانده شده است.

1. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights(TRIPs)

2. Copy Right

3. Patent

4. World Intellectual Property Organization (WIPO)

۵. کنوانسیون پاریس (PARIS Convention) معاهده‌ای است تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری برای حمایت از مالکیت فکری صنعتی، از قبیل اختراعات ثبت شده و مانند آن. در این معاهده، همچنین کوشش شده از رقابت ناعادلانه جلوگیری به عمل آید.

۶. کنوانسیون برن (BERNE Convention) معاهده‌ای است تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری برای حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان آثار ادبی و هنری. این حقوق در نظام حقوقی انگلستان و آمریکا "کمی رایت" (حق تکثیر) و در سایر نظامهای حقوقی "حقوق مؤلف و مصنف" نامیده می‌شود.

۷. کنوانسیون رم (ROME Convention) معاهده‌ای است تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری، یونسکو و سازمان بین‌المللی کار برای حمایت از آثار نوآزندگان (موسیقی)، سازمانهای سخن پراکنی و تولیدکنندگان صفحات گرامافون.

(تعریف اصطلاحات از منبع^۲، ص. ۷۵ و ۷۶).

طبق این موافقتنامه، تمام اختراعات، اعم از محصولات یا مراحل پردازش، در همه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض برحسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرد. البته این حمایتها، شامل اختراعاتی که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل اخلال در نظم عمومی و اخلاقی منوع شده باشد، نمی‌شود. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان، نبات و محیط زیست مضر باشد نیز مشمول حمایت این موافقتنامه نیست.

در این موافقتنامه، حداقل یک دوره ۲۰ ساله برای حمایت از اختراقات پیش‌بینی شده است. به علاوه، کشورهای پیشرفته به سبب نبود سازوکارهای اجرایی مؤثر در چارچوب کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری، تلاش کردند تا خصائص اجرایی لازم را در چارچوب گات بگنجانند. براساس موافقتنامه مزبور، همه کشورها موظفند یک سال پس از به اجرا درآمدن آن، مزایای مربوط به این اصول را به یکدیگر اعطای کنند. لکن در مورد سایر مفاد موافقتنامه به کشورهای درحال توسعه و کشورهای سوسیالیستی سابق ۵ سال و به کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافته‌گی ۱۱ سال فرصت داده شده است تا خود را برای تعهدات آن آماده سازند. البته در مورد محصولاتی که قبلًا مشمول حمایت نبودند (به ویژه محصولات دارویی و مواد شیمیایی کشاورزی)، ۵ سال دیگر به مدت فوق اضافه می‌شود.

از آنجاکه اساس برتری نسبی و قدرت رقابتی کشورهای پیشرفته در دانش فنی به کار رفته در تولید آنها نهفته است، قطعاً حمایت پیش‌بینی شده در این موافقتنامه بیشترین منافع را برای این کشورها به دنبال دارد. در مقابل، کشورهای درحال توسعه که عمدتاً از چنین مزیتها بی‌برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع^۱ بیشتری به خارجیان پردازنند، باید برای محصولاتی که تحت مجوز خارجیان ساخته می‌شود نیز قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه براین، اجرای تعهدات مندرج در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در کشورهای درحال توسعه خواهد بود که ضرورتاً باید منابع انسانی و مادی زیادی بدین منظور اختصاص یابد. در این میان، طبعاً کشورهای درحال توسعه‌ای که در زمینه کسب دانش فنی سابقه بیشتری دارند، اختراقات بیشتری را به ثبت رسانده‌اند یا به نحو مطلوبتری می‌توانند این اختراقات را وارد خط تولید کنند، موقعیت رقابتی بهتری خواهند داشت.

پیش‌بینی تأثیر اجرای موافقنامه‌های دور اوروگوئه بر درآمد کشورها

۱. حوزه تجارت کالا

پس از مذاکرات اخیر دور اوروگوئه، مطالعات محدودی در مورد تأثیر اجرای موافقنامه‌ها بر درآمد کشورهای جهان انجام شده است. با این حال، مطالعات اندک انجام گرفته نیز می‌تواند تا حدودی جهت این تأثیرات را مشخص کند.

در مطالعه‌ای که مشترکاً توسط بانک جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۳ انجام شده، تنها تأثیر آزاد سازی در بخش کالایی مورد توجه قرار گرفته و بخش خدمات مستثنا شده است. این بررسی نشان می‌دهد که در صورت اجرای موافقیت آمیز تصمیمات دور اوروگوئه و کاهش حمایت مؤثر در بخش کشاورزی و صنعت به میزان ۳۰ درصد، درآمد جهانی در سال ۲۰۰۲، به قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۲، حدود ۲۱۳ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. ۱۹۰ میلیارد دلار از این منافع به دلیل آزاد سازی محدود در بخش کشاورزی و ۲۳ میلیارد دلار آن به علت آزادسازی محدود در بخش صنعت است. براساس برآوردهای این مطالعه، از کل منافع حاصل از آزاد سازی محدود در بخش کشاورزی، سهم کشورهای او.ای.سی.دی ۱۲۰ میلیارد دلار و سهم کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای دارای اقتصاد متصرف کر تها ۷۰ میلیارد دلار است. از کل منافع حاصل از آزاد سازی محدود در بخش صنعت، ۱۴/۷ میلیارد دلار مربوط به منافع کشورهای او.ای.سی.دی و ۸/۳ میلیارد دلار نیز مربوط به منافعی است که کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای دارای اقتصاد متصرف کر کسب می‌کنند (منبع ۷، ص. ۱۵۴ تا ۱۵۷).

برآوردهای این مطالعه در مورد اثر آزاد سازی تجارت در مناطق مختلف دنیا و برخی از کشورها، حاوی نکات مهمتری است. براساس برآوردهای انجام گرفته، از مجموع منافع ۲۱۳ میلیارد دلاری حاصل از اصلاحات پیشنهادی مذاکرات دور اوروگوئه در بخش کشاورزی و صنعت، سهم ایالات متحده آمریکا ۱۸/۸ میلیارد دلار، کانادا ۲/۵، استرالیا و زلاندن ۱/۱، ژاپن ۲۵/۹، کشورهای عضو جامعه اروپا ۸۰/۷ و سهم کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا ۱۲/۸ میلیارد دلار است. توزیع این منافع بین سایر کشورها و مناطق جهان نیز بدین صورت است: کشورهای کم درآمد آسیایی، چین و هند ۴۳/۴ میلیارد دلار، کشورهای با درآمد بالا در آسیا و اندونزی ۱۸/۸ میلیارد دلار، کشورهای آفریقایی ۲/۶ میلیارد دلار، کشورهای حوزه دریای مدیترانه و منطقه خلیج فارس ۱/۵ میلیارد دلار، کشورهای آمریکای لاتین ۸ میلیارد دلار و

کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق ۲/۱ میلیارد دلار از این منافع را به خود اختصاص می‌دهند. بیشترین منافع نصیب کشورهایی خواهد شد که بیشترین تحریفها را دارند، از قبیل کشورهای جامعه اروپا، کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا و کشورهای آسیایی نظیر ژاپن. در این میان، به ویژه کشورهای آفریقایی که واردکننده خالص مواد غذایی هستند، زیان خواهند دید. اما نکته‌ای که هنوز مشخص نیست، اثر کلی تصویب این موافقتنامه بر صنعتی شدن و زمینه‌های استغلال کشورهای در حال توسعه در میان مدت و بلند مدت است. اکنون پس از تصویب کاهش تعرفه‌ها در بخش کشاورزی، یکی از نگرانیهای اساسی کشورهای در حال توسعه در مورد چگونگی تأثیر این موافقتنامه بر حجم تجارت، قیمت‌های جهانی و صادرات و واردات محصولات غذایی است. برخی از مطالعات انجام گرفته در اوایل شروع مذاکرات دور اوروپوئه نشان می‌دهد که آزاد سازی تجاری، سبب کاهش شدیدی (حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد) در تولید محصولات کشاورزی در کشورهای او.ای.سی.دی شده و براثر آن، قیمت‌های جهانی این محصولات افزایش خواهد یافت. این تغییرات باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه تولید کننده غلات متف适用 و کشورهای در حال توسعه واردکننده آن متضرر گردند (منبع ۷، ص. ۱۵۹).

در مطالعه دیگری که به تازگی انجام شده، تغییر در تجارت جهانی محصولات کشاورزی از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰ میلادی است که در دو سناریوی مختلف، یکی با در نظر گرفتن موافقتنامه‌های گات و سیاستهای مشترک کشاورزی^۱ و دیگری بدون آن، مورد بررسی قرار گرفته است. اختلاف نتایج دو سناریو بسیار زیاد است و نشان می‌دهد که براثر برداشتن تعرفه‌ها، تولید محصولات کشاورزی در کشورهای عضو جامعه اروپا و خالص صادرات غلات این کشورها به شدت کاهش می‌یابد، و در نتیجه، صادرکنندگان غلات، به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی، متف适用 خواهند شد. به علاوه، همان طور که آمریکا از ابتدا پیش بینی می‌کرد، سهم این کشور در تجارت جهانی گندم و غلات افزایش و سهم جامعه اروپا در آن کاهش می‌یابد. کانادا موقعیت خود را حفظ می‌کند و استرالیا نیز تا حدودی متف适用 می‌گردد. کشورهای اتحاد شوروی سابق نیز بر اثر این

۱. سیاست مشترک کشاورزی (CAP = Common Agricultural Policy) یک نظام فراگیر مشکل از هدفهای تولید و سازوکارهای بازاریابی است که به منظور مدیریت تجارت محصولات کشاورزی در داخل جامعه اروپا طراحی شده است و عملکرد آن متنکی بر ابزارهایی از قبیل حمایت قیمتی، جبران صادرات، تدبیر اجتماعی و مانند آینه است (منبع ۲، ص. ۷۳).

اصلاحات، میزان کمتری واردات خواهند داشت. این مطالعه پیش بینی کرده است که در مجموع، واردات غلات کشورهای در حال توسعه، پس از این اصلاحات، حدود ۵۰ درصد افزایش می‌یابد (منبع ۷، ص. ۱۵۹).

مطالعات اقتصاد سنجی متعددی که در مورد آزاد سازی بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته به این نتیجه مشترک رسیده است که کشورهای وارد کننده خالص مواد غذایی، براثر افزایش قیمت غلات، به ویژه گندم و برنج، متضرر خواهند شد. در حالی که کشورهای معدودی، از جمله کشورهای آمریکای لاتین، آرژانتین، برباد، کلمبیا، اوروگوئه و کوبا از این بابت متفع می‌گردند. پیشنهاد کارشناسان برای مقابله با اثر منفی این اصلاحات تجاری در کوتاه‌مدت، این است که دولتها از هم اکنون بکوشند تا با افزایش تواناییهای فنی در بخش کشاورزی، عرضه این محصولات را انعطاف پذیر نمایند و کشش قیمتی عرضه این محصولات را افزایش دهند. به علاوه، پیشنهاد شده است که به موازات این اقدامات، تدبیری برای کمک غذایی به کشورهای فقیر اندیشیده شود (منبع ۷، ص. ۱۶۶ و ۱۶۷).

۲. حوزه تجارت خدمات

آزادسازی تجارت خدمات، به عنوان یکی از بخش‌های مستقل از تجارت کالا، از سال ۱۹۸۶ رسمیاً در دستور کار مذاکرات دور اوروگوئه قرار گرفت و مجادلات زیادی را بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته برانگیخت. در آغاز، کشورهای صنعتی از العاق این حوزه به برنامه کاری گات حمایت می‌کردند، ولی کشورهای در حال توسعه، به علت عدم برخورداری از برتری نسبی در این حوزه فعالیت، با آن مخالف بودند. اما سرانجام کشورهای در حال توسعه، براثر محدودیتها و فشارها و به امید گرفتن امتیازاتی در بخش کشاورزی و صنعت، موافقنامه خدمات را پذیرفتند (منبع ۹، ص. ۲۸۵). حوزه خدمات، فعالیتهای متنوعی چون مسافرت و جهانگردی، حمل و نقل، ارتباطات (شامل خدمات پستی، ارتباطات راه دور، خدمات سمعی و بصری و مانند آینها)، ساختمان و خدمات مهندسی وابسته به آن، خدمات توزیعی (از قبیل عده فروشی و خرده فروشی کالا، اعطای نمایندگی فروش و مانند آینها)، خدمات آموزشی (آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی، آموزش بزرگسالان و سایر خدمات آموزشی)، خدمات زیستمحیطی (از قبیل خدمات مربوط به دفع فاضلاب و زباله و مانند آن) خدمات مالی (شامل انواع خدمات مربوط به بیمه، بانکداری

و سایر خدمات مالی)، خدمات کارگزاران و حق العمل کاران، خدمات مربوط به اجاره ملک و اجاره تجهیزات، خدمات تفریحی، فرهنگی و ورزشی، خدمات فنی و حرفه‌ای و خدمات مربوط به جایه جایی فصلی نیروی کار را در بر می‌گیرد. در سال ۱۹۹۲، حدود ۲۱ درصد از کل تجارت کالاها و خدمات در جهان مربوط به تجارت خدمات بوده است. بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲، سهم کشورهای در حال توسعه از کل تجارت خدمات، از ۱۱ درصد به ۱۵ درصد افزایش یافته است. با این حال، بخش عمدۀ تجارت خدمات در انحصار کشورهای صنعتی است (منبع ۱۵، ص. ۳۱۵). در بسیاری از زمینه‌های فعالیت مربوط به تجارت خدمات، از قبیل ارتباطات و مخابرات، بانکداری، حمل و نقل و بیمه، فاصله تکنولوژیک میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بسیار زیاد است. حتی در برخی از موارد، نظیر بخش خدمات مخابرات پایه، اختلاف زیادی بین آمریکا و کشورهای اروپایی وجود دارد. بنابراین، می‌بینیم که کشورهای پیشرفته در ارائه این قبیل خدمات برتری نسبی زیادی دارند. به همین دلیل، به کشورهای در حال توسعه اجازه داده‌اند تا آزادسازی را از بخشی آغاز کنند که کمترین عوارض منفی را در پی داشته باشد. ولی این مسئله ماهیت عدم برخورداری آنها از برتری نسبی در این حوزه از فعالیت را تغییر نمی‌دهد. منافع کشورهای در حال توسعه براثر ورود به حوزه فعالیت خدمات در وله اول به درجه توسعه یافگی صنایع خدماتی این کشورها و توانایی آنها در استفاده از برتریهای نسبی، و در وله بعد، به میزان تقاضای کشورهای دیگر برای خدماتی که کشورهای در حال توسعه در آن برتری نسبی دارند، بستگی دارد.

۳. حوزه حقوق مالکیت فکری

این حوزه، یکی از مهمترین دستاوردهای مذاکرات دور اوروپوئه است. اثر این موافقتنامه در دو سطح کوتاه مدت و بلند مدت قابل بررسی است. "در کوتاه مدت، تولید کنندگان کالاها مبتنی بر مالکیت فکری، به خاطر فروش و بالارفتن سود، منافع زیادی به دست خواهند آورد. اما کشورهای در حال توسعه ناچارند هزینه‌های بیشتری را برای تولید یا واردات این قبیل کالاها متحمل شوند. در بلند مدت، حمایت از مالکیت فکری سبب افزایش مخارج تحقیق و توسعه شده، نوآوری و خلاقیت را در جهان افزایش می‌دهد، و بدین ترتیب، هزینه تولید کالاها کاهش یافته و تنوع محصولات افزایش خواهد یافت" (منبع ۸، ص. ۲۸۰). اما طبیعی است که این قبیل نوآوریها

در کشورهای توسعه یافته با سرعت بیشتری اتفاق خواهد افتاد تا در کشورهای در حال توسعه، زیرا اولاً هم اکنون این قبیل کشورها برتری نسبی زیادی در این زمینه دارند و ثانیاً اجرای این توافقنامه در کوتاه مدت، افزایش درآمد این تولیدکنندگان را در پی دارد و به آنها امکان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه‌های پژوهشی انجام دهند. بدین ترتیب، انتظار می‌رود که فاصله بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه در زمینه تکنولوژی بیش از گذشته افزایش یابد. در این وضعیت، انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه، تنها از طریق واگذاری امتیاز و دریافت مجوز و سایر ترتیباتی از این دست امکانپذیر است. "موافقنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری، از جمله مواردی است که نگرانیهای زیادی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است. این کشورها به عنوان واردکننده خالص تکنولوژی از کشورهای صنعتی، با این نوع حمایت مخالف بوده و معتقدند توافقنامه مذکور، به دلیل افزایش قیمت کالاهای رفاه عمومی را در این کشورها کاهش خواهد داد. در حقیقت، پیامد ناشی از اجرای این موافقنامه، حضور هرچه بیشتر کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه است" (منبع ۸، ص. ۲۸۰).

ملاحظاتی در مورد عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

در این قسمت می‌خواهیم این نکته را بررسی کنیم که پیروی از اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی در وضعیت موجود ایران، چه پیامدهای احتمالی را دربردارد.

۱. بدتر شدن تراز پرداختها و کاهش نقش دولت در مهار نرخ ارز در هنگام بی‌ثباتی اقتصادی تجربه اقتصاد ایران در اردیبهشت ۱۳۷۴ نشان داد که اتخاذ سیاست مهار نرخ ارز (در چارچوب سیاست مهار قیمتها) و وضع محدودیت مقداری بر واردات (وصادرات) کالا در صورت بی‌ثباتی اقتصاد کشور، امری اجتناب ناپذیر است و می‌تواند سبب بازگشت ثبات اقتصادی کشور شود. با توجه به اینکه وجود چنین وضعیتی در کشورمان کم سابقه نبوده است، اهمیت دارد که بدانیم در صورت عضویت در سازمان تجارت جهانی، تا چه حد می‌توانیم در حالتی اضطراری، برای دستیابی مجدد به ثبات اقتصادی، به چنین سازوکارهایی چنگ بزنیم.

همان طور که دیدیم، یکی از موضوعهای اصلی مذاکرات در سازمان تجارت جهانی، تأکید بر حذف محدودیتهای مقداری بر واردات کالاست. سهمیه بندی یا محدودیتهای مقداری، ابزاری

برای کاهش واردات و جلوگیری از وخیمت شدن وضعیت تراز پرداختهای کشور است. معمولاً کشورهایی از این ابزار استفاده می‌کنند که تمایل شدیدی به واردات دارند. این تمایل شدید، در صورت عدم دخالت دولت، منجر به افزایش نرخ ارز (قیمت واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی) در کشور مورد نظر می‌شود. بالارفتن نرخ ارز، از یک سو، به معنای گرانتر شدن واردات (بر حسب پول داخلی) است، در حالی که به دلیل همین تمایل شدید به واردات، این افزایش نرخ ارز تأثیر محسوسی بر کاهش واردات ندارد. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز، موجب ارزانتر شدن قیمت کالاهای صادراتی کشور (بر حسب ارز خارجی) در سطح جهانی می‌شود و به دلیل افزایش تقاضا برای آن، انگیزه‌ای برای صادرات بیشتر پدید می‌آورد. اما اگر ظرفیت صادراتی محدود باشد، پیگیری این انگیزه، سبب ایجاد تورم در بخش صادراتی می‌شود و مزیت ارزانتر شدن کالاهای صادراتی در نتیجه افزایش نرخ ارز را از بین می‌برد. اگر گرایش شدید به واردات و محدودیت در گسترش صادرات با یکدیگر تلفیق شود، سبب بدتر شدن تراز پرداختهای کشور می‌شود. در چنین مواردی، تنها راه مؤثر برای بهبود تراز پرداختها، برقراری محدودیتهای مقداری بر واردات کالا یا سهمیه‌بندی واردات است.

عملکرد اقتصاد ایران در چند سال اخیر نشان می‌دهد که در کشور ما عامل تمایل شدید به واردات به روشنی وجود دارد. دستگاههای اجرایی دولت و نهادها، خود از جمله وارد کنندگان عمدۀ کالا به شمار می‌آیند. به علاوه، حجم زیاد تقدینگی بخش خصوصی نیز انگیزه‌ای قوی برای واردات بیشتر است. از سوی دیگر، وجود مشکلاتی در طرف تولید اقتصاد سبب شده است که ظرفیت صادرات کالاهای غیرنفتی کشورمان چندان زیاد نباشد. تولید کالاهای صنعتی به شدت وابسته به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی است. افزایش نرخ ارز، قیمت این قبیل کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد، و در نتیجه، سبب از بین رفتن برتری نسبی صادرات کالاهای صنعتی می‌شود. صادرات بیشتر کالاهای کشاورزی و سنتی نیز، به دلیل محدودیت تولید آنها، تنها با کاستن از مصرف داخلی و تحمل تورم شدید ناشی از افزایش قیمت آنها امکانپذیر است. بنابراین، به نظر می‌رسد که ممنوعیت استفاده از محدودیتهای مقداری بر واردات کالا در وضعیت بی‌ثباتی اقتصادی، دست کم در کوتاه‌مدت، منجر به بدتر شدن تراز پرداختهای کشور می‌شود. از طرفی، تسهیلاتی که در قالب توافقنامه تدابیر حفاظتی سازمان تجارت جهانی، به منظور جلوگیری از افزایش بیش از حد واردات در نظر گرفته شده، مشروط به شرایطی است که انعطاف پذیری ناچیزی

را میسر می‌سازد. برخی از این شرایط، به قرار زیر است:

- به اجرا گذاشتن یک ضابطه یا تدبیر حفاظتی، مستلزم مطلع ساختن طرفهای ذی‌نفع، برگزاری جلسات توجیهی عمومی و انجام برسیها و پژوهش‌های لازم در این زمینه است.
- باید برای دوره اعمال ضوابط و تدبیر حفاظتی سقف زمانی مشخص تعیین شود.
- سهمیه‌های تعیین شده برای واردات که به عنوان تدبیر حفاظتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نباید واردات را به کمتر از میانگین میزان واردات در سه سال پیش از آن کاهش دهد.
- ضوابط و تدبیر حفاظتی که برای دوره‌ای بیش از یک سال به اجرا در می‌آید، باید به تدریج لغو گردد و مواردی که برای مدتی بیش از سه سال به اجرا در می‌آید، باید (حداکثر از نیمه دوره مورد نظر به بعد) به منظور آزاد سازی احتمالی مورد بازنگری و بررسی قرار گیرد.
- اعمال مجدد ضوابط حفاظتی پیش از آنکه مدت معینی سپری شده باشد، مجاز نیست (منبع ۱۱۰، ص. ۱۱۱-۱۱۱).

بدین ترتیب، می‌بینیم که در وضعیتی که و خامت اوضاع اقتصادی به بی‌ثباتی در سطح کلان منجر شده است، منع کشور از برقراری سهمیه‌های وارداتی به میزان دلغواه و در زمان مقتضی، می‌تواند ضمن بدتر کردن وضعیت تراز پرداختها، هدفگذاری دولت در بازار ارز را نیز چار اختلال کند. زیرا در صورت تصمیم دولت دایر بر ثبت نرخ ارز، معلوم نیست امکان کاهش واردات از طریق تدبیر حفاظتی، در حدی که دولت آن را لازم می‌داند و در دوره‌ای که مدنظر سیاستگذاران است، میسر باشد.

البته اگر کشور بتواند کارشناسان سازمان تجارت جهانی و سایر کشورهای عضو را متقاعد سازد که اقدام به مهار نمودن واردات و وضع سهمیه و نادیده گرفتن ضوابط این سازمان، صرفاً برای بازگرداندن ثبات اقتصادی، انجام می‌شود و اقدامی علیه منافع سایر کشورها نیست، و به بیان دیگر، اگر بتواند مجوز انجام چنین اقداماتی را در موقع لزوم، از این سازمان دریافت کند، دیگر اصول و مقررات سازمان تجارت جهانی چندان محدود کننده نخواهد بود. البته این مسئله‌ای است که عملکرد آینده این سازمان آن را روشن خواهد ساخت. از طرفی، اگر اقتصاد کشور از لحاظ ثبات اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشد، توسل به اقدامات کنترلی دیگر ضرورت پیدا نخواهد کرد، و بنابراین، تعارضی نیز با مقررات سازمان تجارت جهانی پیش نخواهد آمد.

۲. آسیب‌پذیری بنگاههای اقتصادی در حوزه‌های مختلف

هنگامی که تجارت آزاد برقرار شود، تولید کنندگان داخلی در بخش‌های تولید کالا، از جمله بخش کشاورزی و صنعت، در معرض رقابت بنگاههای خارجی قرار می‌گیرند. دراین میان، طبیعتاً بنگاهی می‌تواند در صحنه تولید باقی بماند که از نظر تواناییهای فنی برتر باشد. بنگاههای تولیدی در کشورهای در حال توسعه، از جمله در ایران، عموماً تواناییهای فنی لازم را ندارند، بدین روی، از صحنه رقابت حذف خواهند شد. کشورهای پیشرفته امروزین، پیش از دوران شکوفایی اقتصادی، با آگاهی از همین نکته از صنایع خود در برابر قیابان خارجی حمایت کردند. انگلستان در قرن ۱۸ میلادی دهها سال از صنایع خود در مقابل واردات پارچه از هند حمایت کرد و تنها پس از مکانیزه کردن کارخانه‌های خود و انقلاب در تولید، محدودیتهای وارداتی را برداشت. کشورهای اروپایی نیز پس از جنگ جهانی اول و دوم، با توصل به همین شیوه، اقتصاد خود را بازسازی کردند.

حتی پس از گذشت سه دهه از پایان جنگ جهانی دوم و با سپری شدن دوران بازسازی اقتصادی در کشورهای پیشرفته، از نیمه دهه ۱۹۷۰ به بعد، با ازین رفتن نظام برتون وودز و قطع رابطه دلار و طلا و در بی افزایش شدید قیمت نفت، موج جدیدی از حمایتگرایی، کشورهای پیشرفته صنعتی به ویژه اروپا و آمریکا را فراگرفت که به دلیل استفاده از شکلهای جدید موانع غیرتعریفه‌ای به "حمایتگرایی نوین" موسوم شده است (منع ۱، ص. ۵۳ و ۶۲).

پیدایش این موج جدید حمایتگرایی در کشورهایی که خود سردمدار تجارت آزاد هستند، به روشنی نشان می‌دهد که همواره سیاست این کشورها بر "اصل تأمین منافع" استوار است. همان‌گونه که وقتی تولید مازاد بر نیاز و ظرفیت اضافی صادراتی وجود دارد، منافع این کشورها اقتضا می‌کند که از تجارت آزاد حمایت شود، به همان ترتیب وقتی تکانهای به اقتصاد وارد می‌شود (همانند تکانه افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰) منافع این کشورها اقتضا می‌کند که از طریق سازوکار دیگری همچون "حمایتگرایی" این تأمین شود، حتی اگر این مسئله به قیمت زیر باگذاشتن بدیهی ترین اصول تجارت آزاد تمام شود. به سخن دقیقت، همان نظریات اقتصادی کلاسیک که در صورت برقراری رقابت کامل در بازارها و همسان بودن توان اقتصادی کشورها حکم به برقراری تجارت آزاد می‌کنند، همان نظریات نیز، در صورتی که امکان بهره‌گیری از مزیتهای انحصاری وجود داشته باشد، اکیداً توصیه می‌کنند که برای حدا کثر کردن منافع کشور، باید از قواعد تجارت انحصاری پیروی کرد. نمونه بارز و عملی این گونه اقدامات نقض‌کننده اصول

تجارت آزاد که از جانب کشورهای پیشرفته اتخاذ شده است، قواعد مربوط به ترتیبات الایاف چندگانه است که به کشورهای متعاهد آن اجازه می دهد که از صنایع داخلی خود در برابر ورود محصولات مشابه جلوگیری کنند.

بنابراین، چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ تجربی، کشورهای در حال توسعه نیز مجازند در صورت نیاز، به اقدامات حمایتگرایانه متول شوند. بنابراین، به هیچ روی منطقی و قابل دفاع نیست که با برداشتی سطحی از نظریه برتری نسبی در تجارت بین الملل و بدون توجه به مفروضات باطنی آن، صحنه‌ای از رقابت نابرابر را میان بنگاههای داخلی و خارجی ایجاد نماییم. اما آیا این بدان معناست که بهتر است بدون قید و شرط و تا ابد از صنایع داخلی حمایت کنیم؟ پاسخ منفی است. قطعاً این گونه حمایتگرایی نیز به همان اندازه برای صنایع کشور زیانبار خواهد بود که رهاسازی و عدم حمایت از بنگاهها در مقابل رقیبان خارجی، می تواند زیانبار باشد. باید توجه کرد که حمایت از صنایع، به هیچ روی، یک هدف غایی در سیاستگذاری نیست، بلکه "حمایتگرایی" سیاستی است که باید به طور حساب شده و موقت به کار گرفته شود تا هدف اصلی، یعنی افزایش توان رقابتی صنایع در کوتاهترین زمان ممکن برآورده گردد.

اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا همه بنگاههای اقتصادی کشور نیاز به حمایت دارند؟ واگر پاسخ مثبت است، آیا چنین حمایتی با اصول سازمان تجارت جهانی سازگار است؟ در پاسخ باید گفت که قطعاً تمام بنگاهها باید تحت حمایت باشند، با این تفاوت که نوع حمایت و پشتیبانی از بنگاههای مختلف، بسیان نخواهد بود. برخی از بنگاهها به حمایتهای تعریفی، برخی به حمایتهای پژوهشی، برخی به حمایتهای اعتباری، بعضی به حمایتهای کارشناسی و برخی به ترکیبی از انواع حمایتها نیازمندند بایدست کم با برخورداری از آنها می توانند قدرت رقابتی خود را افزایش دهند. در این میان، آنچه با مقررات سازمان تجارت جهانی همخوانی ندارد، عمدتاً حمایتهای تعریفی است، در حالی که سایر شکل‌های حمایت چندان بحث برانگیز نیست. اما در بخش حمایتهای تعریفی باید مشخص کنیم که آیا همه بنگاهها و صنایع به حمایتهای تعریفی نیازمندند؟ واگر بله، آیا به یک میزان به آن وابسته‌اند؟ در پاسخ باید گفت که حتی اگر لازم باشد از تمام بنگاهها با استفاده از تعریف حمایت شود، قطعاً درجه این نوع حمایت برای بنگاهها یا صنایع مختلف، متفاوت خواهد بود.

در مواردی که نیاز به حمایتهای تعریفی اندکی وجود دارد، انتظار داریم که برخورداری

بنگاهها از سایر شغل‌های حمایت (که با قوانین سازمان تجارت جهانی تضادی ندارد) بتواند آنها را در موقعیتی قرار دهد که بتوانند خود را با کاوهش تدریجی تعریف‌ها در طول زمان تطبیق دهند. بنابراین، تنها بخشی از بنگاهها و صنایع باقی می‌مانند که ادامه حیات آنها (در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت) در گرو حمایت تعریف‌ای شدید از آنهاست. پرسش که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا براساس شروط و استثنایات پیش‌بینی شده در مقررات سازمان تجارت جهانی می‌توان از بنگاههایی که دوران گذار آنها به سوی افزایش توان رقابتی ماهیتاً بیشتر طول می‌کشد و نیاز به حمایت تعریف‌ای شدیدتری دارند، پشتیبانی کرد؟ در صورت تصمیم به عضویت در سازمان تجارت جهانی، باید پاسخ مناسبی برای این پرسش در دست داشته باشیم. از طرفی، از آنجاکه این قبیل بنگاهها غالباً در صنایع مادر و زیربنایی فعالیت دارند، مسئله امکان حمایت بیشتر از آنها اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. از سوی دیگر، موضوع شناخت بنگاهها و صنایعی که نیازمند حمایتهای تعریف‌ای شدید هستند و آنهای که نیازشان به حمایتهای تعریف‌ای از شدت کمتری برخوردار است نیز موضوع دیگری است که باید در هنگام تصمیم‌گیری درمورد عضویت در سازمان تجارت جهانی روشن شده باشد.

از جانب دیگر، کشورهای درحال توسعه در حوزه فعالیت خدمات به ندرت دارای برتری نسبی هستند. به همین دلیل، سهم آنها از کل تجارت خدمات در جهان بسیار اندک است. در ایران، خالص صادرات خدمات در همه سالها منفی است (منبع ۵، سالهای مختلف). این موضوع نشان می‌دهد که ضربه پذیری بنگاههای خدماتی نسبت به آزاد سازی فعالیتهای اقتصادی بسیار زیاد است. اگر کشور در بخش تولید کالایی نیازمند حمایتهای گوناگون باشد، در عرصه خدمات این نیاز به مراتب بیشتر است.

سرانجام پذیرش توافقنامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت به احتمال زیاد، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت هزینه خالصی را برای کشور به بار خواهد آورد. صنعت دارو سازی و صنعت چاپ و نشر کتاب مهمترین صنایعی هستند که بر اثر پذیرش این موافقنامه زیان خواهند دید. البته حمایت از حقوق مبتکران، پدید آورندگان آثار فرهنگی و مانند آن امری منطقی و درست است و هر کشور، از جمله کشور ما، برای حمایت از منافع اتباع خود به آن نیاز خواهد داشت. اما بحث آن است که پیش از عضویت در سازمان تجارت جهانی باید دست کم از بنگاههایی که در این عرصه به فعالیت مشغولند، حمایت لازم به عمل آمده باشد تا آنها را برای

رقابت با بنگاههای خارجی مهیا کند.

در مجموع، باید گفت که اگر پذیرش توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی در بخش‌های تجارت کالا، تجارت خدمات، حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت و مانند اینها، امکان ارائه حداقل خدمات پشتیبانی از بنگاههای اقتصادی فعال در این عرصه‌ها را از کشور بگیرد و محدودیتهای جدی برای این قبیل حمایتهای ضروری به بار آورد، موجودیت بنگاههای مذکور در حوزه‌های مختلف به طور جدی مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

شرایط لازم برای موفقیت آمیز بودن عضویت در سازمان تجارت جهانی

مجموعه شرایطی که براساس آن عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی می‌تواند موفقیت آمیز باشد و سبب گسترش صادرات صنعتی شود، و در عین حال، فرایند توسعه اقتصادی کشور را تسريع نماید، به قرار زیر است :

۱. توانایی بنگاهها در عرضه محصولاتی با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.
۲. وجود ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالابودن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیرنفتی کشور.
۳. برخورداری کشور از ثبات اقتصادی در سطح کلان (تعادل تراز پرداختها به ویژه تراز پرداختها بدون احتساب صادرات نفت خام، تعادل بودجه دولت و ثبات در سیاستگذاریهای کشور).
۴. هماهنگی سیاستهای پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.
۵. وجود تشکیلاتی به منظور سازماندهی بازار صادرات و با هدف ایجاد زمینه لازم برای رشد صادرکنندگان حرفه‌ای و خبره.
۶. برخورداری از نظام گمرکی کارآمد برای تسهیل ورود و خروج کالاهای و ثبت آماری آنها.
۷. برخورداری از کارشناسان خبره در شناخت موضوعهایی که در سازمان تجارت جهانی مطرح می‌شود و نیز متبحر در فن رایزنی و چانه‌زنی در مذاکرات تجاری و تعرفه‌ای.
۸. برخورداری از کارشناسانی که به خوبی از وضعیت اقتصادی موجود کشور مطلع باشند، به طوری که بتوانند پیامدهای تصمیم‌گیریهای مختلف در سازمان تجارت جهانی را بر بخش‌های

اقتصادی به درستی ارزشیابی کنند.

۹. برخورداری از نظام آماری دقیق و روزآمد به منظور اطلاع از وضعیت اقتصادی کشور در هر لحظه از زمان.

۱۰. وجود سازمانی واحد که در برقراری ارتباط با سازمان تجارت جهانی، وزارت‌خانه‌ها و بخش خصوصی کشور تام‌الاختیار باشد، و در عین حال، قابلیت اتخاذ تصمیماتی هماهنگ با سیاستهای کلان و سیاستهای تجاری کشور را دارا باشد. برای این منظور باید "مجموعی ملی" متشكل از نمایندگان وزارت‌خانه‌های ذی‌نفع، کارشناسانی که سازمان تجارت جهانی را به خوبی بشناسند، نظریه پردازان دانشگاهی و نمایندگان بخش خصوصی تشکیل گردد و وظیفه ارائه مشورت به این سازمان را بر عهده داشته باشد. این سازمان در مقابل برخورداری از اختیار کامل برای تصمیم‌گیری، باید در برابر پیامدهای احتمالی ناشی از تصمیم‌گیریهای نادرست پاسخگو باشد.

۱۱. به علاوه، کشور باید سیاست مشخصی در زمینه همکاریهای اقتصادی منطقه‌ای داشته باشد. عضویت در یک پیمان اقتصادی منطقه‌ای قوی، قدرت چانه زنی کشور در مذاکرات تعریف‌ای سازمان تجارت جهانی را افزایش می‌دهد. این دقیقاً همان کاری است که کشورهای اروپایی در قالب جامعه اروپا و کشورهای آمریکای شمالی در قالب پیمان نفتا^۱ انجام می‌دهند. وجود این شرایط برای موفقیت آمیز بودن عضویت کشور در سازمان تجارت جهانی، بدین معناست که صرف عضویت در این نهاد بین‌المللی شرط کافی برای پیشرفت اقتصادی نیست. همانطور که بسیاری از کشورها (از قبیل پاکستان، سریلانکا و زلاندنو) وجود دارند که از سالهای اویله بنیان‌گذاری گات به آن پیوسته‌اند، اما هنوز به درجه مطلوبی از صنعتی شدن دست نیافتداند. به بیان دیگر، تنها پس از فراهم کردن زمینه‌های لازم ذکر شده است که اقدام به عضویت در این نهاد و تبادل امتیازات تجاري، رفاه بیشتری را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. در این میان، دولت نقش ارزشمندی در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تحقق شرطهای یاد شده بر عهده خواهد داشت.

۱. موافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (North American Free Trade Agreement = NAFTA) پیمانی منطقه‌ای است بین سه کشور مکزیک، ایالات متحده آمریکا و کانادا که به منظور تشویق تجارت بین اعضاء با تعریف ترجیحی به وجود آمده است.

خوشبختانه در سالهای اخیر در کشورمان تلاش‌های زیادی برای رهایی از اقتصاد تک محصولی صورت گرفته است. به تازگی برخی از واحدهای صنعتی موفق به اخذ گواهی نامه‌های استاندارد بین‌المللی شده‌اند. صنایع پتروشیمی کشور به طور جدی در حال وارد شدن به مرحله صادرات هستند. اما این موقفيتها برای ورود به سازمان تجارت جهانی کافی نیست. زیرا اولاً این تحولات کامل نشده است و هنوز بسیاری از بنگاهها هستند که پایین تراز استانداردهای بین‌المللی عمل می‌کنند. ثانیاً همه این تحولات تنها مربوط به شرط اول از شرط‌های یادشده است.

برای بهره‌برداری اقتصادی مطلوب از عضویت در سازمان تجارت جهانی و جلوگیری از وارد آمدن زیانهای هنگفت به کشور برآثر این امر، باید شرط‌های دیگر، از جمله هماهنگی سیاستهای پولی، ارزی و تجاری، برآورده شود. از طرفی، هنوز تجارت نفت خام و بحث کاهش تعرفه‌های وضع شده از جانب کشورهای صنعتی براین کالا در دستور کار مذاکرات سازمان تجارت جهانی قرار نگرفته است. بنابراین، در وضع موجود، با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، منتفعیتی از این بابت نصیب کشور نمی‌شود. بدین روی، تازمانی که شرط‌های ذکر شده محقق نشده است، تا زمانی که ظرفیت صادرات غیرنفتی به ویژه ظرفیت صادرات صنعتی کشور محدود است و تازمانی که موضوع تجارت نفت خام در دستور کار مذاکرات سازمان تجارت جهانی قرار ندارد، نمی‌توان انتظار داشت که از عضویت در این سازمان منافع فراوانی نصیب کشور شود. بر عکس، احتمال دارد در صورت عضویت در وضعیت موجود، اقتصاد کشور، متحمل زیانهای جبران‌ناپذیری شود. زیرا اگر ما به درستی از قواعد بازی در این سازمان توانیم بهره‌گیری کنیم، دهها کشور قادر ممتد دیگر در این سازمان وجود دارند که با اطلاع کامل و برنامه‌ای حساب شده، مترصد بهره‌گیری از فرصت‌های صادراتی ایجاد شده توسط سایر کشورها (از جمله کشور ما) هستند. به همین دلیل، باید آگاهانه و باحداکثر توان وارد این سازمان شد، و در این میان، باید بر نقش دولت در سازماندهی امور، تأکیدی ویژه نمود.

مقایسه هزینه‌ها و منافع عضویت در سازمان تجارت جهانی

معمولًاً برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، منافع اقتصادی چندی ذکر می‌شود که عمدهاً عبارند از گسترش بازار صادراتی کالاهای صنعتی، جلوگیری از تغییر مکرر قوانین صادرات و واردات، و در نتیجه، نظم یافتن امور گمرکی و تشویق صادرات، افزایش صادرات محصولات

کشاورزی و حفظ موقعیت صادراتی کشور در تولید محصولات سنتی، از قبیل فرش، امکان جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی، امکان برخورداری از کمکها و خدمات فنی در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی، لزوم ارتقای کیفی محصولات داخلی به دلیل افزایش رقیبان در بازار، لزوم پاییندی دولت به سیاستهای اعلام شده و اصلاح روند سیاستهای حمایتی دولت از بنگاههای تولیدی.^۱

در مقابل، برای عضویت کشورمان در این سازمان در وضعیت اقتصادی موجود، هزینه‌های اقتصادی چندی نیز ذکر می‌شود که عمدتاً عبارتند از: امکان ورنشکستگی بنگاههای اقتصادی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و پیامدهای ناشی از آن، از قبیل افزایش میزان یکاری و بدترشدن وضعیت توزیع درآمدها در کشور، پرداخت هزینه‌های هنگفت بابت تولید کالاهای مشمول حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت، به ویژه در صنعت داروسازی و صنعت چاپ و نشر کتاب، بدتر شدن تراز پرداختهای کشور به دلیل عدم امکان استفاده مؤثر از کنترل واردات و مهار نرخ ارز در هنگامی ثباتی اقتصادی و سنتی ماندن ساختار تولید و صادرات کشور در کوتاه‌مدت و میان مدت. به علاوه، به دلیل برخورداری کشورمان از ثروت هنگفت نفت، احتمالاً امکان بهره‌مندی محدودی از مزیتها و تخفیفهای در نظر گرفته شده برای کشورهای کمتر توسعه یافته در مورد جمهوری اسلامی ایران وجود خواهد داشت. گذشته از این، پیش از عضویت در سازمان تجارت جهانی، به احتمال زیاد، بازنگری در برخی از اصول قانون اساسی، از جمله اصلهای چهل و چهارم و هشتاد و یکم در زمینه حضور و سلطه خارجیان بر منابع طبیعی و تشکیل شرکتهای خارجی امری ضروری است.^۲

در زمینه منافع ذکر شده باید به این نکته توجه داشت که بدون احراز شرایط یادشده در بالا، بهره‌برداری از چنین منافعی تنها به صورت محدودی امکان‌پذیر است. ضمن اینکه بهره‌مندی از منافع تجاری مورد اشاره، تنها پس از عضویت در این سازمان و در صورت توانایی کشور برای اعطای امتیازات تجاری متقابل به سایر کشورها امکان‌پذیر خواهد بود.^۳ برای پذیرفته شدن در این

۱. برای آگاهی بیشتر از دیدگاههای مختلف در مورد هزینه‌ها و منافع عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی، به متنع ۶، صفحات ۵۴۴ تا ۵۵۰ مراجعه نماید.

۲. برای آگاهی جامعتر در مورد مغایرتهای مواد موافقنامه گات و سازمان تجارت جهانی با قوانین و مقررات حاکم بر کشور، به فصل ششم از متنع ۶، صفحات ۳۵۹ تا ۴۱۲ مراجعه نماید.

۳. موضوع "اعطای امتیاز متقابل" یکی از اصول اولیه‌ای است که اعضای سازمان تجارت جهانی باید به آن پاییند باشند.

سازمان، لازم است که از قبل اصلاحاتی را در حوزه‌های مختلف در جهت حاکم کردن نظام بازار آزاد انجام داد و هزینه‌های ناشی از این اقدامات را تحمل کرد و سپس در صورت پذیرش عضویت کشور و ضمن تبادل امتیازات متقابل تجاری از منافع ناشی از آن سود جست. برای نمونه، "کشور چین سالهاست که درخواست خود را برای عضویت در این نهاد تسلیم کرده و اصلاحات زیادی را به منظور حاکمیت بازار آزاد انجام داده است، اما تاکنون موفق به عضویت در این سازمان نشده است" (منبع ۱۰، ص. ۲۷۸). این مسئله، از اینجا ناشی می‌شود که کشورهای عضو مایلند بدانند چه منافعی از جانب کشوری که درخواست عضویت کرده نصیب آنها می‌شود، و در مقابل، تا چه حد عضو جدید می‌تواند رقیبی برای توسعه صادرات آنها باشد.

همان طور که در بالا اشاره شد، پس از تسلیم درخواست عضویت یک کشور به سازمان تجارت جهانی، گروههای کاری ویژه‌ای در این نهاد مسئولیت بررسی هدفهای اقتصادی، قوانین صادرات و واردات، قانون سرمایه‌گذاری خارجی و نحوه دخالت دولت در امور اقتصادی این کشور را برعهده می‌گیرند. این گروههای کاری پرسشهای مشخصی را در زمینه‌های ذکر شده مطرح می‌کنند و انتظار دارند کشور متقاضی پاسخهای روشی و صریحی برای آنها داشته باشد.

در نهایت، همین گروههای کاری مشخص می‌کنند که کشور متقاضی باید پیش از عضویت در این سازمان، چه اصلاحاتی را به عمل آورد. آنچه در این مرحله مهم است میزان قدرت چانه‌زنی کشور در مقابل این گروههای کاری است. به طور کلی، هرچه میزان بهره‌مندی کشور از شرطهای یادشده بیشتر باشد، قدرت چانه‌زنی آن در مقابل این گروههای کاری بیشتر خواهد بود، و در نتیجه، هزینه‌های کمتری در زمان عضویت به کشور تحمیل می‌شود.

در عوض، اگر کشورمان بدون درایت کافی و بدون برخورداری از شرایط یادشده، بخواهد به عضویت این سازمان درآید، باید پاره‌ای پیامدهای ناگوار اقتصادی، از قبیل ورشکستگی برخی از بنگاهها در حوزه‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات (و پیامدهای سیاسی - اقتصادی ناشی از آن، از جمله افزایش بیکاری) و سنتی ماندن ترکیب صادراتی کشور در کوتاه مدت و میان مدت را تحمل کند. البته حتی در صورت عدم برخورداری کشور از شرطهای یاد شده هم این امکان وجود دارد که ضمن عضویت در سازمان تجارت جهانی، فرایند توسعه اقتصادی نیز سپری شود و به اصطلاح صنعتی شدن کشور، از بیرون و با فشار نیروهای بازار آزاد جهانی به سرانجام برسد. ولی مسئله مهم، مدت به طول انجامیدن این فرایند است. طبیعی است وقتی ابتدا با درایت

دولت، شرایط مذکور تحقق یافته باشد و پس از آن، بخشی‌ای مختلف اقتصاد در معرض شرایط بازار آزاد جهانی قرار گیرند، فرایند صنعتی شدن و توسعه اقتصادی با سرعت بیشتر و با هزینه و اتلاف منابع کمتری طی خواهد شد. این راهبرد توسعه‌ای، راهبردی است که نقش نظارتی و حمایتی دولت در آن به مراتب بیشتر از راهبرد مبتنی بر فشار بیرونی نیروهای بازار جهانی است. غیر از منافع اقتصادی، منافع سیاسی چندی نیز برای عضویت در سازمان تجارت جهانی ذکر می‌شود که عمدتاً عبارت است از حضور فعال در مجتمع بین‌المللی و جلوگیری از انزوای سیاسی کشور. توجه به این نکته ضروری است که سازمان تجارت جهانی، بنا به ماهیت خود، نهادی اقتصادی با هدف نظام مند کردن تجارت بین‌المللی است. در کنار این سازمان، سازمان ملل متحد با هدف نظم دادن به روابط سیاسی کشورها، و صندوق بین‌المللی بول و بانک جهانی با هدف نظم دادن به نظام پولی و مالی جهانی فعالیت می‌کنند. با آنکه هریک از این سازمانها ارتباطاتی با یکدیگر دارند، حوزه فعالیت آنها کاملاً از یکدیگر متمایز است. بنابراین، به نظر می‌رسد انتظار کسب منافع سیاسی گسترش از حضور در نهادی که اساساً بر روابط اقتصادی بنا شده است، چندان واقعیت‌انه نباشد.

بدین ترتیب، مقایسه هزینه و منافع حاصل از عضویت در سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که تازمانی که شرایط یادشده به طور کامل برآورده نشده است، تعجیل برای عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی، نه تنها ضرورت ندارد، بلکه به صلاح کشور هم نیست. البته این گفته، به هیچ روی، به معنای رضایت دادن به وضع موجود نیست. بلکه در عوض، دولت باید با حساسیت و درایت کافی، قسمت عده تلاش خود را بر تسریع فرایند تحقق شرایط ذکر شده متمرکز نماید. در واقع، تحقق یافتن مجموعه شرایط مذکور، در هر صورت، عضویت یا عدم عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی، امری ضروری تلقی می‌شود. در بخش بعدی مقاله، به خطوط کلی اقداماتی که لازم است انجام شود، اشاره می‌نماییم.

جمعبندی و نتیجه‌گیری

سازمان تجارت جهانی نهادی است اقتصادی، برای تسهیل هرچه بیشتر تجارت کالاها و خدمات و سازوکار اجرایی اصلی آن حذف موانع و تعرفه‌های تجاری بین اعضاست. کشورهایی که به عضویت این سازمان در می‌آیند، باید ضوابطی را پذیرند و براساس آن، سیاستهای اقتصادی و

تجاری خود را تنظیم نمایند.

تصمیم برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، به دلیل اینکه تمام شؤون اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بیش از آنکه تصمیمی سیاسی باشد، تصمیمی اقتصادی است. بنابراین، در هنگام اتخاذ تصمیم باید به ملاحظات اقتصادی توجهی ویژه مبذول کرد و بیش از تسلیم درخواست عضویت، توجیه اقتصادی کافی برای آن فراهم نمود. ممکن است گروههای فشار، سازمانها یا وزارتخانه‌های خاصی که از عضویت در سازمان تجارت جهانی منافع کوتاه مدتی بعدست می‌آورند، بر تسریع در عضویت اصرار بورزند و تنها منافع بخشی خود را در نظر بگیرند. اما تصمیم گیرندگان و سیاستگذاران باید هزینه‌ها و منافع حاصل از این عضویت را از دیدگاه کلان اقتصادی و با در نظر گرفتن همه بخشها مورد مقایسه قرار دهند.

باید توجه داشت که تکیه صرف بر اقتصاد مبتنی بر بازار و کاربست ساده نگرانه نظریه‌های اقتصاد کلاسیک برای ایجاد تغییرات اقتصادی بناهاین در کشور، نه تنها سبب طولانی تر شدن دوره گذار اقتصادی می‌شود، بلکه همچین هزینه‌های هنگفتی نیز برای گروههای اجتماعی آسیب پذیر جامعه در بخش مصرف، و بنگاههای اقتصادی کشور در بخش تولید، به بار خواهد آورد. باید اطمینان داشت که کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند همانند کشورهای پیشرفته و تازه صنعتی شده، از طریق سرمایه‌گذاری مناسب در تربیت نیروی انسانی متخصص، تبادل دانش فنی با سایر ملتها، گسترش پژوهشگاهی کاربردی، حمایت حساب شده و منطقی از صنایع و بنگاههای اقتصادی، و گسترش همکاریهای متقابل دانشگاهها و مرکز تولیدی، برتری نسبی را در صنایع و فعالیتهای راهبردی موردنظر خود ایجاد کنند، و از این طریق، فرایند توسعه خود را تسریع نمایند. در این زمینه، یکی از ابتدایی ترین اصول پیشرفت، لزوم درک متقابل سیاستگذاران و صاحب‌نظران اقتصادی، نسبت به موقعیت یکدیگر است. از یک سوی، سیاستگذاران باید به سودمندی پژوهشگاهی علمی باور داشته باشند و بکوشند تا از دستاوردهای مطالعات علمی در تصمیم‌گیریهای خود استفاده کنند، و از سوی دیگر، صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی باید در تطبیق آموخته‌های خود با ویژگیهای اقتصادی کشور و کاربرد آنها برای حل مسائل مبتلا به جامعه، بیش از پیش تلاش نمایند. بدین ترتیب، ضرورت دارد که اولاً سیاستهای اقتصادی دولت بیشتر بر مبنای مصالح اقتصادی شکل بگیرد تا بر مبنای مصالح سیاسی، و ثانیاً امید می‌رود که صاحب‌نظران اقتصادی به جای تکیه بر نظریه پردازی انتزاعی، بر پژوهشگاهی کاربردی تأکید بیشتری

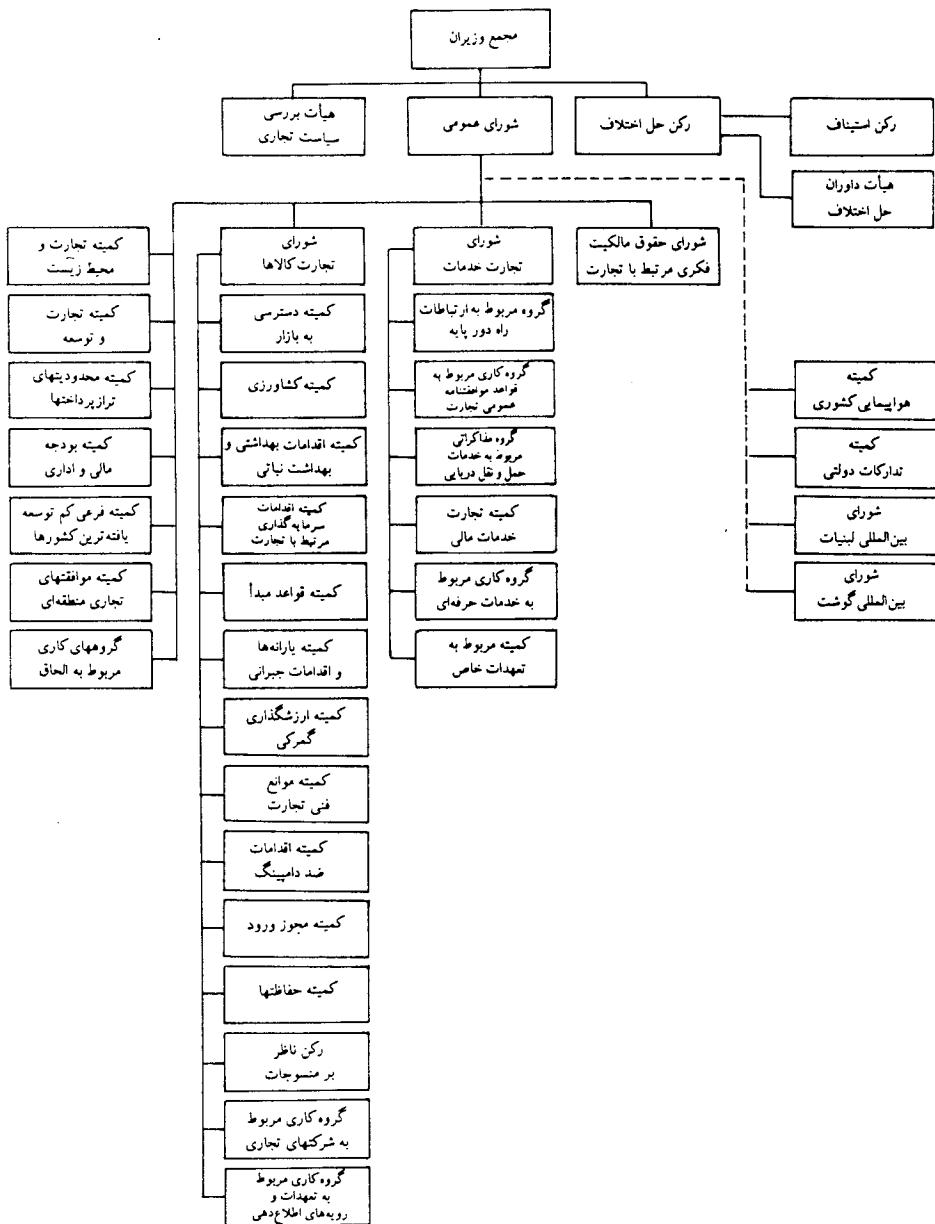
نمایند.

گذشته از موضوعهای اساسی که هم اینک مورد اشاره قرار گرفت، برای آنکه عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی از لحاظ اقتصادی قرین موقیت باشد و سبب تسريع فرایند توسعه صنعتی کشور شود، لازم است کشورمان، پیش از عضویت، دارای قابلیتهای متعددی باشد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به توانایی کافی بتنگاهها در تولید کالاهای مرغوب و مطابق با معیارهای جهانی، و در عین حال، با قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه خارجی، تأمین ثبات اقتصادی کشور در سطح کلان، هماهنگی سیاستهای پولی، مالی، ارزی و تجاری دولت و ایجاد مراکز تصمیمگیری مورد نیاز برای هدایت سیاستگذاریهای لازم در زمینه موضوعهای مطرح در سازمان تجارت جهانی اشاره کرد. دولت می‌تواند در فراهم ساختن زمینه تحقق این شرطها نقشی اساسی بر عهده بگیرد. بدین ترتیب، اقتصاد، با راهبرد توسعه‌ای ممکنی بر نظارت و دخالت دولت هدایت خواهد شد.

از آنجاکه نوعه سیاستگذاری و عملکرد دولت در رسیدن به این مقصود اهمیت دارد، لازم است که دولت در درجه اول در کارآمدتر کردن فعالیت خود تلاش کند؛ نظامی مناسب برای ارزیابی عملکرد خود و جلوگیری از تکرار خطاهای گذشته پایه‌ریزی نماید؛ با جلوگیری از کسب منافع شخصی و گروهی تصمیم‌گیرندگان، مانع از بروز فساد در دستگاه اجرایی شود؛ تصمیمگیریهای خود را بربایه مطالعات دقیق کارشناسی استوار کند؛ سیاستهای اقتصادی خود را به روشنی اعلام نماید و با قاطعیت آنها را اجرا کند؛ در مواردی که ماهیت بازار اجازه می‌دهد در جهت کاهش نقش انحصاری خود در فعالیتهای اقتصادی مختلف حرکت کند؛ و سرانجام با ایجاد زمینه پیدایش رقابت سالم بین بتنگاههای اقتصادی از به وجود آمدن انحصارات جدید جلوگیری نماید. به دلیل اهمیت بسیار زیاد این موضوع، پیش از هرگونه اقدامی باید قسمت عمده تلاش سیاستگذاران بر مسئله تسريع فرایند افزایش کارایی دولت معطوف شود. هرچه این فرایند طولانی تر باشد، منافع حاصل از دخالت دولت در امور اقتصادی کمتر خواهد بود.

تصمیم نهایی هرجه باشد، نیازمند انجام مطالعات دقیق و به کارگیری تمام نیروهای فکری جامعه به منظور شناخت تواناییهای کشور، شناخت تواناییهای کشورهای رقیب و شناخت روابط اقتصادی درحال شکل‌گیری در سطح جهانی است. به ویژه، با تکیه بر برسیها و مطالعات کمی، می‌توان پشتونه محکمتری برای تصمیمگیریهای بعدی فراهم نمود.

نمودار تشکیلاتی سازمان تجارت جهانی



یادداشتها و منابع

۱. امید بخش، اسفندیار. اصول و مقررات گات، مرکز آموزش بازرگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
 ۲. پیام دریا (خرداد ۱۳۷۴). اصطلاحات فنی و تخصصی مورد استفاده در موافقتنامه دور اوروگوئه. شماره ۳۳، سال چهارم. ص. ۷۰ تا ۷۹.
 ۳. خبرنامه، ضمیمه ماهنامه بررسیهای بازرگانی.
 ۴. فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۱). فرهنگ علوم اقتصادی. تهران: امیرکبیر.
 ۵. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور. سالهای مختلف.
 ۶. وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۴). تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی کشورها به سازمان تجارت جهانی (WTO) و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن.
 ۷. وزارت بازرگانی (۱۳۷۴). تأثیرات موافقتنامه دور اوروگوئه برکشورهای اسلامی: ارزیابی مقدماتی. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۱۵۳-۱۸۳.
 ۸. —————. سخنرانی آقای KAUU کارشناس ارشد اسکاپ در وزارت امور خارجه. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۲۷۹-۲۸۴.
 ۹. —————. سخنرانی آقای KAUU کارشناس ارشد اسکاپ در وزارت پست و تلگراف و تلفن. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۲۸۵-۲۹۰.
 ۱۰. —————. سخنرانی آقای KAUU کارشناس ارشد اسکاپ در گمرک جمهوری اسلامی ایران. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۲۶۸-۲۷۸.
 ۱۱. —————. شرحی بر مقررات مربوط به کشورهای در حال توسعه در موافقتنامه‌ها و اسناد حقوقی و مصوبات وزرای دور اوروگوئه. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۳۲-۱۵۱.
 ۱۲. —————. گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. پیوست شماره ۳.
13. Hamilton, C.; and Whalley, J. (1994). *Evaluating the Impact of the Uruguay Round Results on Developing Countries*. London: Center for the Study of International Economic Relations and the University of Western Ontario.
- منتشر شده در: گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۳۸۱-۴۱۴.

14. Whalley , J. (1994). *The WTO and the Future of the Trading System*. Presented at the ESCAP/UNDP/KDI, Regional Symposium on the Uruguay Round Agreements, Seoul, Korea.

منتشر شده در: گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۳۵۵-۳۸۰.

15. Winters, L. A. (1994). *The Implications of Uruguay Round Agreements for Developing Countries : Critical Issues And Adjustment Requirements*. Presented at the ESCAP/UNDP/KDI Regional Symposium on the Uruguay Round Agreements, Seoul, Korea.

منتشر شده در: گزارش کمیته بررسی عضویت در گات. ص. ۲۹۸-۳۲۵.